

آشنایی با ایمان کلیسا

سری دوم: کلیسا چیست؟

۱۰ نگرش بر کلیسا:



۱- حضرت مدیم

۲- نیایش

۳- اعیاد مسیحی

۴- ایام روزه

۵- رازهای کلیسا

۶- راز تعمید

۷- راز ازدواج

۸- عملکرد مسیحی

۹- شریعت خدا

۱۰- خدمت

این برگه‌ها که به منظور معرفی مسیحیت به افرادی که طالب شناخت این آیین می‌باشند تهیه شده است، اساساً عقیده مشترک مسیحیان را بیان می‌کند. اما در مواردی که مسیحیان کاتولیک دیدگاهی بخصوص دارند، به معرفی آن دیدگاه می‌پردازد.

نحوه‌ی استفاده:

هر برگه، بیانگر حقیقتی خاص از ایمان مسیحی است، بدین ترتیب، مجموعه‌ی اول مشتمل بر ده موضوع است: خدا کیست؟، کتاب مقدس، ایمان و علم، پیامبران، عیسی کیست؟، چهار انجیل، رازتن یافت، روح القدس، کلیسا، ماموریت کلیسا. این جزوه‌ها، همگی بر این سه مبنا پایه‌گذاری شده‌اند:

- آن چه که اطراف ما در باره این حقیقت گفته می‌شود و ما می‌شنویم،

- آن چه که معمولاً مسیحیان می‌گویند،

- آن گونه که مسیحیان در ارتباط با موضوع مطرح شده در زندگی روزمره، زندگی می‌کنند.

هم چنین تمام برگه‌ها در ارتباط با موضوع، شامل متن‌های مهمی هستند که معمولاً از کتاب مقدس یا از روایات گرفته شده‌اند، چنانچه کسانی بخواهند بیشتر بدانند، اطلاعات کتاب مقدسی و اشارات آن برای ایشان مفید می‌باشد.

کلیه کتبی که از آن‌ها در این برگه‌ها نام برده شده در سایت موجود است.

نحوه‌ی برنامه‌ی مطالعه‌ی گروهی

۱: دعا و طلب نزول روح القدس

۲: قرائت متن مورد نظر توسط یکی از افراد گروه

۳: سکوت

۴: هر شخص نکات مثبتی را که از متن یافته است اعلام می‌نماید.

۵: هر شخص سوالات خود را در ارتباط با متن مطرح می‌نماید.

۶: هر شخص ارتباط متن با زندگی امروز خود را بیان می‌نماید.

مریم مادر مسیح و مادر انسان‌ها



«ای نعمت رسیده، خدا با تو ست و تو در میان زنان مبارک هستی» (لوقا ۱: ۲۸).

آن چه بعضی‌ها می‌گویند...

- * مسیحیان مریم را می‌پرستند، مثل این که خدا باشد.
- * او را مادر خدا می‌نامند ... ولی خدای یکتا که نمی‌تواند مادر داشته باشد، این عبارت نوعی بت پرستی است.
- * مریم زنی معمولی و همسر یوسف است.
- * مریم، غیر از عیسا فرزندان دیگری داشته است.

قرآن نیز درباره‌ی مریم سخن می‌گوید:

«... فرشتگان گفتند: ای مریم.

همانا خدا تو را برگزید

و طاهر گردانید

و بر تمام زنان جهان برتری بخشید...» (آل عمران ۴۱-۴۲).

آن چه مسیحیان می‌گویند...

شخص مریم در اناجیل می‌درخشد چون او به واسطه‌ی خداوند، برای زیباترین مأموریت‌ها انتخاب شد: وارد کردن یکتا پسر خدا در بشریت.

۱- «بشارت به مریم»: مریم به دعوت خدا، جواب «آری» می‌دهد

جبرائیل فرشته از طرف خدا موظف شد تا مأموریت مریم را به وی آشکار کند:

«خداوند با تو ست [...]»

پسری خواهی زائید ... و به پسر حضرت اعلا مسمی می‌شود [...]»

روح القدس بر تو خواهد آمد [...] (لوقا ۱: ۲۸-۳۵).

مریم از این سخن مضطرب می‌شود

و بعد از این که از فرشته می‌پرسد که این چگونه خواهد بود، به او جواب می‌دهد:

«من کنیز خداوندم، مرا بر حسب سخن تو واقع شود» (لوقا ۱: ۳۸).

با این جواب، مریم به خدا «آری» می گوید.

بدین ترتیب، با همکاری او، وعده های خدا در عهد عتیق، تحقق می یابد: «و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان اشعای نبی (۷:۱۴) گفته بود، تمام گردد که اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است، خدا با ما» (انجیل متی ۱: ۲۲-۲۳).

عیسا در تمام طول زندگی زمینی اش، مریم را مادر خطاب کرد. به همین دلیل، مسیحیان جسارت می کنند، او را مادر خدا بنامند. با وجود این که می دانند، او مادر اعلا و علین نیست بلکه مادر عیسا، پسر خداست.

۲- مریم در مأموریت عیسا شرکت می کند

اناجیل او را حاضر در مأموریت عیسا نشان می دهند:

«در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسا در آن جا بود ... و چون شراب تمام شد، مادر عیسا بدو گفت شراب ندارند ... به نوکران گفت: هر چه به شما بگوید، بکنید» (یوحنا ۲: ۱-۵).

مریم، عیسا را تا پای صلیب همراهی می کند: «پای صلیب عیسا، مادر او، مریم و ... ایستاده بودند ... چون عیسا مادر خود را با آن شاگردی که دوست می داشت ایستاده دید، به مادر خود گفت: «ای زن، اینک پسر تو!» و به آن شاگرد گفت: «اینک مادر تو» (یوحنا ۱۹: ۲۵-۲۷).

۳- مریم در تولد کلیسا حضور دارد: «پنطیکاست»

بعد از صعود عیسا به نزد خدای پدر، لوقا یادآوری می کند که شاگردان به گرد مریم، در انتظار روح القدس بودند: «و جمیع این ها، با زنان و مریم مادر عیسا و برادران او، به یکدل در عبادت و دعا مواظب بودند» (رسولان ۱: ۱۴).

این چند نقل قول، مقام مریم را در زندگی پسرش و در زندگی کلیسا مشخص می کنند:

- «آری» گفتن (بشارت به مریم)، «آری» صلیب را تدارک می بیند که در مورد مریم، با رفتاری حاکی از سرسپردگی و تقبل کامل اراده ی خدا جلوه می کند. راز مریم همان، راز کلیساست، راز تقدیم خود و پرستش خدا. - بالأخره، از زمان مرگ و رستاخیز پسرش، مریم به نوعی مادر ما، مادر تمام بشریت است که در مسیح تولد نوین می یابد، مریم، حوای جدید می باشد مادر همه ی زندگان (پیدایش ۳: ۲۰)

- کلیسا از زمان شروع آغازین، بر طبق روایت خیلی محکم اعلام می کند که مریم مُرد زیرا او خدا نیست بلکه از مخلوقین می باشد ولی این مرگ فقط فرو رفتن در خواب بوده زیرا پسرش عیسا نخواست مادر خود را در تباهی ببیند و او را با جسم مادرانه جلال یافته، به ملکوت برد. بنابراین، هر سال در روز پانزدهم آگوست تمام کلیساهای قدیم، مریم را به عنوان اولین عضو برکت یافته کلیسا که به هدف همه ایمانداران رسید یعنی در روز آخر رستاخیز بدن ها، در جلال ملکوت در صمیمیت و مشارکت کامل با عیسا یکتا پسر خدا، به یاد می آورند.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

* برای شاگردان مسیح، مریم نمونه ایمان است.

او، آن ها را در زندگی مسیحی شان هدایت می کند:

- نمونه ی ایمان و تسلیم خود به اراده ی خدا،

- نمونه ی وفاداری به عهد،

- نمونه ی عبادت و محبت.

* زنان و کلیساهای متعدد ی در ایران از جمله شهرهای تهران، ارومیه... و هم چنین سایر کشورها چون نتردام پاریس، نتردام لورد یا نتردام فاتیما و غیره نام او را بر خود دارند.

* در کلیساهای شرق مسیحیان علاقه خاصی دارند مریم را به عنوان شمایل کلیسا که در روز آخر به کمال خواهد رسید، بنگرند و او را ستایش کنند.

* مسیحیان، اغلب مریم را با کلمات کتاب مقدس می طلبند:

سلام بر تو ای مریم

ای نعمت رسیده،

خداوند با توست،

و تو در میان زنان مبارک هستی.

و عیسا، ثمره ی رحم تو

مبارک است،

مریم مقدس، مادر خدا،

برای ما دعا کن

ما گناهکاران بیچاره،

حالا و در لحظه ی مرگمان.

در میان کاتولیک ها، دعای تسبیح رواج دارد. این دعا، در همراه کردن دعای «خوشحال باش ای مریم» و تعمق در زندگی مریم و رابطه اش با عیسا پسرش، خلاصه می شود.

کلام کتاب مقدس

هم چنین می توان در نیایش مریم شریک شد.

مریم، بعد از مدیر خود با ایصابات، چنین گفت:

«جان من خداوند را تمجید می کند و روح من، به رهاننده من خدا، به وجد آمد. زیرا بر حقارت کنیز خود نظرافکند.

زیرا، هان، از اکنون، تمام طبقات مرا خوشحال خواهند خواند، زیرا آن قادر، به من کارهای عظیم کرده و نام او قدوس است.

و رحمت او نسلاً بعد نسل است، بر آنانی که از او می ترسند.

به بازوی خود، قدرت را ظاهر فرمود و متکبران را به خیال دل ایشان پراکنده ساخت.

جباران را از تخت ها به زیر افکند و فروتنان را سرافراز گردانید، گرسنگان را به چیزهای نیکو سیر فرمود و دولت‌مندان را تهی دست رد نمود.

بنده ی خود اسرائیل را یاری کرد، به یادگاری رحمانیت خویش، چنان که به اجداد ما گفته بود، به ابراهیم و به ذریت او، تا ابد الآباد» (لوقا ۱: ۴۶-۵۵).

برای مطالعه و تعمق بیشتر :

- مادر مسیح.
- مادر خدا در سنت سریانی.
- مریم .
- زندگی عیسی نجات دهنده ما .
- مریم در عهد جدید.

متن جهت مطالعه گروهی: یوحنا ۱۹: ۲۵-۲۷

شادمان باش ای دختر صهیون (صفنیا: ۳: ۱۴)

* بندگردان: شادمان باش ای دختر صهیون

ای سزاوار الطاف خداوند جهان

که خدا همراه توست (۲ بار) (لوقا: ۱: ۲۸)

جبرائیل فرشته، ارشد سپاه ملائک

به سوی باکره مقدس

که در میان زنان متبارک است فرستاده شد

و با ترس و احترام به او چنین بشارت داد:

... *

شادمان باش ای زن، ای سرشار از فیض و عنایت

شادمان باش ای مادر نجات دهنده ی آفرینش

شادمان باش ای باکره که پسری به دنیا می آوری

شادمان باش زیرا که فرزند تو مورد تکریم و تحسین ملائک است.

... *

شادمان باش ای که شایسته ی بارداری پسر خدا هستی

شادمان باش ای که هر نبوتی در تو به کمال می رسد

شادمان باش ای که از تو آزاد سازنده آفاق ظهور می کند

شادمان باش ای که امید و زندگی با تو پا به جهان می گذارد

... *

شادمان باش زیرا که پسر محبوب تو

مورد پرستش شبانان و شاهان است

شادمان باش ای مادر ناجی پیروزمند ما

شادمان باش ای باکره که پسری یکتا به دنیا می آوری

شادمان باش ای منورترین نورها.

... *

شادمان باش ای که خیمه ی مقدس پسر خدا هستی

شادمان باش ای کاخ امید سکونت پادشاه متعال

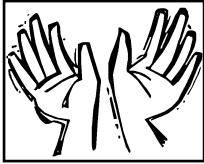
شادمان باش ای که از ثمره ی رحم تو نیکویی به ما ارزانی می گردد

شادمان باش، چون تنها پیشگام شادمانی خلقت از تو ظهور می کند.

... *

کلیسای آشوری کلدانی: سرود اولین یکشنبه ی بشارت قبل از میلاد مسیح

نیایش



عیسا می گوید: «پس در هر وقت دعا کرده، بیدار باشید» (لوقا ۲۱:۳۶).
«نمی دانیم چگونه باید دعا کنیم. اما روح با ناله هایی بیان ناشدنی، برای
ما شفاعت می کند» (روم ۸:۲۶).

آن چه بعضی ها می گویند...

* کمتر دیده شده که مسیحیان نیایش کنند...

* آیا قواعدی را برای نیایش در ارتباط با طهارت جسم یا زمان، مکان، یا حرکتی خاص در نماز دنبال می کنند؟

* چرا در مقابل شمایل ها و مجسمه ها نیایش می کنند؟

* دعا کردن برای دیگری چه فایده دارد؟

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- نیایش، سخن گفتن با خداست

مسیحیان سه طریق مهم برای نیایش با خدا دارند.

* **در حضور او بمانند**، به ندای او گوش دهند، او را سپاس گویند، بپرستند، بگویند که می خواهند با او زندگی کنند و او را ملاقات نمایند.

* **با خدا گفتگو نمایند**، در مورد زندگی روزمره، کار، رنج و شادی های انسان های تمام جهان. و در دعا از او بخواهند تا همیشه و همه جا، اراده ی او تحقق یابد. این دعای طلب است مثل طفلی که احتیاج دارد با پدر و مادرش صحبت کند و همه چیز را بازگوید.

* **بالآخره، خدا را حمد و سپاس گویند**، برای چیزهای خارق العاده ای که تحقق می بخشد یا به واسطه ی او، انسان ها تحقق می بخشند. این دعای حمد و ستایش است:

«خدای من، خدای من

تو را می طلبم

تو را می جویم

جان من تشنه ی توست

همچون زمین خشک تشنه ی بی آب (...)

«تو شادی منی و من تو را می سرایم

اعمال تو مرا مسحور می سازد،

دست های من برای تبرک تو برافراشته می شوند.

محبت تو بیش از زندگی می ارزد» (مزمور ۶۳: ۲-۵).

مسیحیان در هنگام دعا، تنها آفریدگانی در مقابل خدا نیستند بلکه فرزندان هستند که با پدر خود متحد می شوند و همراه با مسیح می گویند: «اینک من و فرزندانی که پدر به من عطا کرده است» (عبرانیان ۲: ۱۳).

۲- نیایش، ورود به نیایش عیسا است

* برای مسیحیان، عیسا نیایش کننده ی بزرگ است، تنها نیایش کننده ی حقیقی چون قرابت او با خدا بی مانند بود. همانطور که می گوید: «پدر من و من یکی هستیم!»

عیسا قبل از اینکه زندگی جمعی و موعظه نمودن را شروع کند، چهل روز برای نیایش به بیابان می رود. اغلب در انجیل به ما گفته می شود که او تنها می رود تا خدا را بیابد و با او سخن بگوید، حتی گاهی سراسر شب را! و تا آخرین لحظه، به روی صلیب، پدرش را دعا می کند تا او را بپذیرد: «ای پدر، به دست های تو، روح خود را می سپارم» (لوقا ۲۳: ۴۶).

* به این دلیل، عیسا برای مسیحیان، استاد بزرگ نیایش است. او سفارش می کند که تنها با کلمات و گرفتن حالت روحانی به خود دعا نکنیم بلکه با قلب، با فروتنی، اعتماد و پشتکار دعا کنیم: «تو چون عبادت کنی، به حجره ی خود داخل شو [...] و مانند امت ها تکرار باطل مکنید [...] پدر شما حاجات شما را می داند [...] پس شما این طور دعا کنید: «ای پدر ما که در آسمانی ...» (متی ۶: ۶-۹).

* عیسا، نیایش مسیحیان و هر انسانی را به خدا می رساند... «او همیشه زنده است تا نزد پدر برای ما شفاعت کند» (عبرانیان ۷: ۲۵).

او تنها کاهن بزرگ و شفاعت کننده ماست در او که یکتا پسر است می توان پدر را نیایش کنیم. چند ساعت قبل از مرگ به آن ها گفت: «من به جهت اینها سؤال می کنم [...] این ها را که به من داده ای به اسم خود نگاه دار تا یکی باشند [...] تا خوشی مرا در خود کامل داشته باشند [...] ایشان را از شیرین نگاه دار [...] ایشان را به راستی خود تقدیس نما» (یوحنا ۱۷: ۹-۱۷).

۳- نیایش مسیحیان به عمل آن ها وابسته است (ر.ک ۱- یوحنا ۴: ۲۰)

* سنت بزرگ مسیحی، بر لزوم توافق عمیق بین نیایش و عمل، آن چه می گوئیم و آن چه می کنیم تأکید می کند. عیسا می گوید: «نه هر که مرا خداوند، خداوند می گوید، داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آن که اراده ی پدر مرا که در آسمان هاست به جا آورد» (متی ۷: ۲۱).

* بدین ترتیب، نیایش مسیحیان، همیشه در عین حال بیانگر محبت و تعهد آن ها به متحول شدن خود است. یا

لااقل طلب کمک برای متحول شدن: «تو خدای قدرت من هستی، چرا مرا دور انداختی؟ [...] نور و راستی خود را بفرست تا مرا هدایت نمایند! [...] و تو را ای خدا خدای من، با بریط تسبیح خواهم خواند [...] او را باز حمد خواهم گفت» (مزمور ۴۳: ۲-۴).

* و بدین ترتیب، تمام زندگی می تواند یک نیایش شود.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

بر حسب زمان، مکان و تمدن کشورها، نیایش مسیحیان به یک صورت بیان نمی شود. نیایش آن ها، همیشه از ورای یک فرهنگ خاص، و در آیین کلیسای محلی خاص می جوشد. با وجود این، عمل نیایش اشکالی به خود می گیرد که در همه جا یافت می شوند و مشخصه ی نیایش مسیحی هستند.

۱- زمان های برگزیده ی نیایش

* مسیحیان حداقل دو بار در روز، صبح و عصر نیایش می کنند.

* هر هفته، روز یکشنبه، روز بزرگ نیایش است: مسیحیان برای برگزاری مرگ و رستاخیز مسیح جمع می شوند تا با جسم زنده ی او مشارکت کنند. این آیین عشاء ربانی است.

* در تمام طول سال، اعیادی مثل عید میلاد، عید گذر، عید نزول روح القدس، عید تجلی مسیح، عید صلیب پرچلال، و عید تقدیس کلیسا در ارتباط با آمدن پرچلال او وقایع مهم زندگی مسیح را مشخص می کنند. جشن های دیگری به افتخار مریم باکره یا مقدسین برگزار می شوند که آنها نیز زمان های برگزیده ی نیایش هستند.

به علاوه، ایام پرهیز و زمان های انزوا که خیلی ها دوست دارند در طی سال برای خود نگه دارند را نیز نباید فراموش کرد.

۲- مکان های برگزیده ی نیایش

* البته مسیحیان می توانند در همه جا دعا کنند، ولی ساختمان کلیسا خانه ی نیایش آنهاست. بعضی ها آنجا می روند تا در تنهایی و سکوت تعمق کنند. روزهای یکشنبه و تمام روزهای عید، مسیحیان برای نیایش در آنجا جمع می شوند.

* همچنین بعضی ها دوست دارند، به تنهایی یا دسته جمعی، به دیرها و صومعه ها یا زیارتگاه ها بروند.

۳- اشکال برگزیده ی نیایش

دعای «ای پدر ما»، «دعای عیسا (عیسای مسیح خداوند و نجات دهنده ی ما، بر ما گنهکاران ترحم فرما) «سلام بر تو، ای مریم»، مزامیر کتاب مقدس، آیین عشاء ربانی، ...

۴. شمایل‌ها برای نیایش

مسیحیان در نیایش خود، گاهی از شمایل‌های مقدس استفاده می‌کنند تا امتیازات تخیلاتشان را قوی سازند و دعای خود را محکم‌تر گردانند. این شمایل‌ها به ما نشان می‌دهد که چگونه کلیساهای مختلف محلی، راز زندگی عیسی یا مقدسین را تعمق می‌کنند. و ما را دعوت می‌نمایند که این راز را یادآوری کنیم و در آن فرو رویم. ایمانداران هیچ وقت خطاب به خودِ شمایل دعا نمی‌کنند، بلکه به آن شخصی که بر شمایل ترسیم شده است.

۵. اشخاصی که بیشتر در نیایش و سکوت زندگی می‌کنند

از بیست قرن پیش، مسیحیانی (مرد یا زن) دعوت خدا را احساس می‌کنند که زندگی عادی را ترک کنند و خود را وقف نیایش نمایند. آنها را راهب و راهبه می‌گویند. بعضی از آنها تنها در خلوت زندگی می‌کنند، ولی بیشتر آنها در اجتماع، در چهارچوب یک گروه آبی مذهبی زندگی می‌کنند و تقریباً همیشه از کسانی که بخواهند، دعوت می‌کنند تا در نیایش آنها، در دیر یا صومعه، سهیم شوند. راهبان در سکوت مطلق راز خدا را تماشا می‌کنند و با زندگیشان به این راز شهادت می‌دهند و هم چنین در دعای مداومشان برای تمام خلقت استغاثه می‌کنند.

برای مطالعه و تعمق بیشتر :

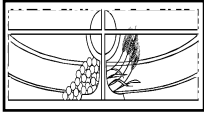
دعای برخاسته از دل .
تفسیر دعای ربانی.
پدران سربانی در نیایش و زندگی روحانی .
خدای زنده: مقدمه و اختتام.
عشای ربانی سرچشمه‌ی زندگی کلیسا.
ای پدر ما.

برای مطالعه و تعمق بیشتر :

دعا کردن را به ما تعلیم نما .
داستانهایی از تجارب روحانی یک زائر روس .
نیایش (جلد دوم) .
تسبیح جهت دعای مداوم .
سرودهای کلیساها در ارتباط با اعیاد مختلف .

متن جهت مطالعه‌ی گروهی: مرقس ۱۴: ۳۲-۴۲

اعیاد مسیحی



«در خداوند دائماً شاد باشید [...] با نیایش و دعا، با شکرگزاری، درخواست های خود را به خدا عرض کنید [...] و آرامش خدا که فوق از تمام عقل است، دل ها و ذهن های شما را در مسیح عیسی، نگاه خواهد داشت (فیلیپیان ۴: ۴-۷)».

آن چه بعضی ها می گویند...

- * اغلب مسیحیان جهت یادبود درگذشتگان نشان گردهم می آیند اما برای ادای سپاسگزاری به خاطر کارهای شگفت خداوند کمتر.
- * برگزاری عید میلاد مسیح باور نکردنی است و بزرگترین عید مسیحیان است!
- * عیسی از یک زن متولد شده، نمی تواند در عین حال خدا و انسان باشد.

آن چه مسیحیان می گویند ...

«او در جلال باز خواهد گشت ...»

عید میلاد مسیح

روز ۲۵ دسامبر (۴ دی)، مسیحیان تولد عیسا در بیت اللحم را جشن می گیرند. ششم ژانویه (عید کوچک): عید ظهور عیسا و تعمید او توسط یحیی است که در آن اولین مکاشفه راز سه گانه ی اقدس وجود دارد.

* آن ها شهادت اناجیل را به یاد می آورند: اولین شاگردان عیسا می گویند که، در این یکتا پسر مریم، آن ها عمانوئیل «خدا با ما»، را باز می شناسند. می گویند که عیسا کلام خداست که تن یافت، «سخن تن گردید». (یوحنا ۱: ۱۴).

* آن ها ایمان دارند و اعلام می کنند که او واقعا پسر خداست، نور از نور و از ازل قبل از قرون، خدای حقیقی از خدای حقیقی تولد یافته است. بنابراین، عیسا که از مریم زاده شد، از گوشت و از خون متولد نشده بلکه به قدرت روح القدس در رحم باکره ساکن گردید. و از خدای حقیقی، قبل از تمام اعصار، تولد یافته است.

* آن ها ایمان دارند که بعد از مرگ و رستاخیزش هیچ وقت ما را ترک نکرده بلکه وقت صعودش به آسمان با خود انسانیت ما را نزد پدر رساند.

* آن هادر انتظار روزی هستند - روز آخر - که امیدوارند چهره ی پر جلال او را ببینند. وقتی او باز می گردد تا کل دنیا را جمع آوری کرده، جلال او را بدان تقسیم کند.

آن چه بعضی ها می گویند...

* مسیحیان جشن های خود را با نان و شراب، که استفاده از آن در کتاب مقدس ممنوع یا حداقل بی اعتبار می باشد (داوران ۱۳: ۴، ۴۱؛ افسسیان ۵: ۱۸)، برگزار می کنند.

* چرا مرگ عیسا به روی صلیب را برگزار می کنند، درحالی که خدا، قادر و همیشه پیروز است؟ همان طور که مزبور می گوید: «خدا یا جانم را در زندان مردگان ترک نخواهی کرد و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببیند» (مزبور ۱۰: ۱۶).

بنابراین آیا مسیح را کشته اند؟

آن چه مسیحیان می گویند ...

«او کشته شد، او زنده است ...»

عید رستاخیز مسیح یا عید گذر یا عید بزرگ

* به مدت چهل یا حتی پنجاه روز، مسیحیان عید رستاخیز را تدارک می بینند، این «ایام روزه» است. هفته ی آخر آن، هفته ی مقدس است. سه روز از این هفته مقدس به طور خاص برای آن ها اهمیت دارد:

– روز پنجشنبه ی مقدس: آن ها آخرین شام عیسا را به یاد می آورند و همانند او با تقسیم نان و شراب، خدا را شکر می گویند. برای آن ها، این رازی عمیق است و خیلی مهم تر از خوراک معمولی، این زندگی نوین عیسا است که به تقسیم داده می شود:

«بگیرید و بخورید، این بدن من است که برای شما پاره می شود»

«همه شما از این بنوشید ... این خون من است که برای شما ریخته می شود»

علاوه بر این، در این روز، اسقف روغن مقدس جهت راز تعمید و دعا برای بیماران را تقدیس می کند و به گناهکارانی که در ایام روزه توبه کرده اند آشتی می دهد و آن ها را دوباره در شراکت با کلیسا وارد می کند.

– روز جمعه ی مقدس: آن ها بیشتر روزه می گیرند و به روایت مریم و یوحنا که به چشم خود عیسا را دیده بودند که بر صلیب جان داد، گوش می دهند. عیسا می میرد و زندگی خود را به واسطه ی محبت، تا بی نهایت می دهد. مسیحیان می گویند که با صلیب، خدا به آن ها اشاره می کند تا با او آشتی کرده و هم چنین در میان خودشان و با همه ی انسان ها صلح برقرار کنند.

روز شنبه ی مقدس: روز سبت و آخرین روز هفته، روز سکوت و استراحت خداوند در انتظار انجام کار شگفت خداست. در این روز کلیسا مخصوصاً برای بیماران و بیچارگان دعا می کند، و ایماندارانی که در شب روز رستاخیز تعمید خواهند گرفت با روغن مقدس مسح داده می شوند.

شب یکشنبه، واقعاً عید گذر است: پیروزی عیسا را می سرایند که از مرگ عبور کرد و تا ابد نزد پدر زنده است، همان گونه که یهودیان عید «پسحا» را برای یادآوری کارشگفت خدا که این قوم را از بردگی فرعون در مصر آزاد گردانید. حال مسیحیان، عید گذر مسیح از زندان مرگ به سوی زندگی نوین و ابدی نزد پدر برپا می کنند. آن ها خدا را می سرایند که می خواهد همه ی انسان ها را از دنیایی که در آن می میرند، به یک خلقت جدید که همه در آن محبوبند، بگذراند.

* چهل روز بعد از عید رستاخیز عید صعود مسیح است. در این روز، رفتن عیسا که به سوی خدا که «پدر من و پدر شما» می خواند، بالا برده شده بود را برگزار می کنند.

* در طول سال هر یکشنبه، ادامه ی عید رستاخیز است: در این روز، برای عیسا ی برخاسته جشن می گیرند.

آن چه بعضی ها می گویند...

* اجتماع مسیحیان به فرقه های متعدد تقسیم شده است.

* این ها همه اختراع انسان هاست.

آن چه مسیحیان می گویند...

«بیا، ای روح القدس»

عید پنطیکاست یا پنجاهه

پنجاه روز بعد از عید رستاخیز عیسا، مسیحیان، شادمانه، تولد قومشان و عطای روح القدس را جشن می گیرند.

* **تولد قومشان:** در اورشلیم، در جشن بزرگی که یهودیان در آن عهد خدا در کوه سینا را یادآوری می کنند، رسولان در میان جمعیتی بیگانه که زبان یک دیگر را نمی فهمیدند، به زبان آرامی فریاد می زدند: «عیسی برخاسته است». این کلمات را هر کس به زبان خودش فهمید و ۳۰۰۰ نفر، این کلام را باور کرده و به عیسا ایمان آوردند. مثل یک شعله شادی بود که از آتشی بزرگ زبانه می کشید، و یک «قوم جدید خدا» را تشکیل می داد.

* **عطای روح:** مسیحیان می گویند که این خود خدا بود که همه ی این مردمان را به سوی خود بر می گردانید. نیرویی که خدا می دهد تا انسان به سوی او بازگردد، را روح القدس می نامند. این روح، خود خداست، نیروی خدای بیگانه است که از انسان های مختلف، یک «قوم نوین خدا» می سازد، «قوم جدید پر از محبت خدا».

* **یکشنبه ی پنطیکاست:** مسیحیان روح القدس را می طلبند و می پذیرند تا با شادمانی و اطمینان به مسیح زنده شهادت دهند و در او بمانند.

مسیحیان به عنوان نتیجه ی نزول روح القدس بر کلیسا، ایام عید دیگری را جشن می گیرند که مهمترین آن عبارتند از:

- **عید تجلی مسیح:** چون توسط روح القدس ما امروز هم جلال مسیح را با چشم ایمان می بینیم و در تجلی او تدریجاً سهیم می گردیم.

- **به خواب رفتن حضرت مریم:** چون او انسان بود مثل همه مُرد اما چون «پر نعمت» بوده و در راز مسیح کاملاً شریک شده بود یکتا پسرش اجازه نداد او تباهی ببیند بلکه او را کاملاً به ملکوت رساند، بنابراین ما او را به عنوان اولین ایمان داری می بینیم که کاملاً به مقصد و هدف رسیده است.

- **عید صلیب پر جلال:** چون توسط روح القدس با تعمق بر تجربیات سخت، ما می توانیم ببینیم که چقدر صلیب در زندگی ما میوه می دهد و از راه صلیب مسیح مثل او می توانیم به ملکوت برسیم و کلیساهای قدیم عادت دارند صلیب پر جلال و پرمیوه را تماشا کنند بدون این که بر آن مسیح مصلوب مانده باشد، چون او رستاخیز کرده است.

- در آخر سال عبادتی جشن تقدیس کلیسا را می گیرند چون ایمان دارند روح القدس همه ی ما را گام به گام به کمال و اتحاد رسانده و وارد ملکوت خدا می کند.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

* روزهای یکشنبه و روزهای عید، مسیحیان گردهم می آیند:

- مسیحیان، در یک کلیسا جمع می شوند، و مراسم قربانی مقدس یا عشای ربانی برگزار می کنند.

یک قاری از متون کتاب مقدس، خصوصاً از انجیل می‌خواند. همه سرود می‌سرایند (مزامیر) و روح القدس را می‌طلبند. و همه از خدا سپاسگزاری می‌کنند و سپس نان و شراب را تقسیم می‌کنند: این را «Table bien servie» می‌گویند که عیسا، شاگردانش را به آن دعوت می‌کند (خروج ۱۳:۴؛ تثنیه ۸:۳؛ مزور ۷۸:۲۳-۲۵؛ رجوع کنید مائده ۱۱۴).
عید میلاد و عید رستاخیز مسیح، هر سال فرصتی برای جشن شبانه است، مسیحیان در این شب‌ها، دور هم جمع می‌شوند تا تولد و رستاخیز عیسی را برگزار کنند.

***اعیاد دیگری، در یادآوری از شاهدان و مقدسین دارند و مراسم پربرکتی دیگری که هر بار فرصتی است برای حمد گفتن خدا، پدر عیسی و تشکر از او برای کارهای عجیب که به واسطه روحش انجام داده است.**
* **هر عید برای مسیحیان، مثل یک قرار ملاقات شادمانه است که خدا به آن‌ها می‌دهد؛ هر عید، همه آن‌هایی را که به عیسی برخاسته ایمان دارند، به زندگی در روح القدس، یعنی زندگی در نیروی محبت و آزادی سوق می‌دهد. در تمام ایام عید، مسیحیان آمدن ملکوت خدا را انتظار می‌کشند و به پیشواز آن جشن می‌گیرند و التماس می‌کنند «بیا خداوند ما بیا».**

برای مطالعه ی عمیق تر:

بهار آیین نیایش

برای مطالعه و تعمق بیشتر :

توضیح شمایل‌ها

سرودهایی جهت ایام توبه، روزه، صلیب، و رستاخیز

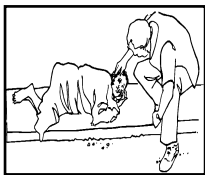
متن جهت مطالعه ی گروهی: متی ۱۱:۱-۱۱

تسلسل اعیاد

مراحل سال در کلیسای شرق:

- ۱-مژده ها: چهار یکشنبه روزه، تولد عیسا: یک یا دو یکشنبه.
- ۲-ظهور عیسا: هفت یا هشت یکشنبه.
- ۳-روزه ی بزرگ: هفت یکشنبه.
- ۴-رستاخیز عیسا: هفت یکشنبه.
- ۵-رسولان: هفت یکشنبه.
- ۶-تابستان: با عید تجلی مسیح و عید بر شدن حضرت مریم.
- ۷-ایلیا: هفت یکشنبه از جمله چهار یکشنبه عید پر جلال صلیب.
- ۸-موسی: یک تا چهار یکشنبه.
- ۹-تقدیس کلیسا: چهار یکشنبه.

ایام روزه زمان توبه و آشتی



«دل خود را چاک کنید نه رخت خویش را و به یهوه خدای خود بازگشت
نمائید زیرا که او رؤوف و رحیم است...» (یوئیل ۲:۱۳).

آن چه بعضی ها می گویند...

* امروزه دیگر مسیحیان ایام روزه را به جا نمی آورند،
برخلاف ایام قدیم که به طور جدی روزه می گرفتند.

* مسیحیان دیگر با هم روزه نمی گیرند: دیگر
مثل قدیم در میان جمع توبه نمی کنند.

* قوانین روزه داری و آشتی امروزه بسیار ساده و
آسان است.

یهودیان برای عید گذر و اعیاد دیگر، خودشان را
تطهیر می کنند، آیا مسیحیان چنین کاری را انجام
می دهند؟ ولی عیسا هیچ گونه قوانین طهارت را قبول
نداشت. (مرقس ۶:۱۴-۲۳)

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- کلیسا خود را برای عید گذر آماده می کند

از قرن ششم بود که در طول پنجاه روز قبل از رستاخیز و در صمیمیت با مرگ مسیح انجام روزه در کلیسا عمومیت یافت.

* در این مدت، داوطلبان تعمید را به طور خاص آماده می سازند تا در شب عید گذر، با دریافت راز مقدس تعمید،
در عیسای مسیح تولد یابند.

* هم چنین، آخرین مراحل آمادگی برای آشتی عمومی گناهکاران، در شب پنجشنبه ی مقدس انجام می گیرد.

قبل از اعیاد مختلف مهم، ایامی وجود دارد که در
طول آن مسیحیان به روزه دعوت می شوند اما در میان
این اعیاد، کلیسا جهت آمادگی برای برپا کردن
عید بزرگ عید گذر یعنی مرگ و رستاخیز عیسا با روزه
بزرگ که چهل یا پنجاه روز طول می کشد خود را آماده
می کند.

در این ایام اشخاصی که تعلیم دیده اند و با
جدیت تمام و روزه گرفتن و دگرگون ساختن زندگی
، خود را آماده ساخته اند تا شب آن عید بزرگ،
رازهای تعمید و تثبیت روح القدس و نان مقدس را
بیابند. و همراه با این اشخاص همه ی مسیحیان
به یاد تعمید خودشان در همین راه روزه نیز می گیرند
و هم چنین به یادبود زمانی که عیسا قبل از شروع
مأموریت آشکار خود چهل روز را در بیابان گذرانید:
«آن گاه عیسا توسط روح به بیابان برده شد تا
ابلیس او را تجربه نماید و چون چهل شبانه روز روزه
داشت، آخر گرسنه گردید.» (متی ۴:۱-۲).

* هر چند نحوی انجام مراسم طی قرن‌ها تغییر یافته اما ایلم روزه بزرگ هم چنان برای کل جامعه مسیحی، نوعی پویایی عمیق بازگشت به بشارت عیسی‌ای برخاسته است. امروزه نیز شب عید گذر، زمان برگزیده‌ای برای پذیرش مسیحیان جدید است.

* چرا چهل روز؟ عددچهل برای مسیحیان اروپا، و عدینجاه برای مسیحیان شرق است. عددچهل در کتاب مقدس نماد یک زندگی و یک نسل است (اعداد ۱۳: ۲۹-۳۵) یعنی مدت زمانی که برای ملاقات در اختیار داریم. اما عدد پنجاه مانند عید پنجاهه (پنجاه روز بعد از عید گذر)، که عید هفته‌ها نامیده می‌شود (۷X۷+۱) نماد یک کاملیت مطلق است.

۲- مسیحیان اتفاقاتی را به یاد می‌آورند

* گذر قوم برگزیده از بیابان سینا

مسیحیان، راه پیمائی طولانی عبرانیان، بین خروج ایشان از مصر تا ورودشان به سرزمین موعود را به یاد می‌آورند. گفته می‌شود که این راه پیمائی چهل سال به طول انجامید و در این مدت قوم خدا شکل گرفت (تثنیه ۸: ۲-۴).

* در جستجوی خدا

چهل روز و چهل شب بدون خوردن و نوشیدن، زمانی است که موسی با خدای خود در کوه سینا گذراند و پس از آن، ده فرمان به او سپرده شد (ر. ک خروج ۱۸: ۲۴؛ تثنیه ۹: ۹).
چهل شبانه روز، زمانی است که ایللیای نبی از صحرای سینا عبور کرده تا سینا که کوه خدا باشد راه پیمود (۱- پادشاهان ۸: ۱۹).

* مبارزه‌ای علیه نیروهای شریر

آب‌های توفان نوح در چهل شبانه روز زمین را فراگرفت. هم چنین چهل شبانه روز مهلتي است که خدا به ساکنان شهر نینوا داد تا توسط نبوت یونس، زندگی شان دگرگون شود و به سوی خدا بازگردند (ر. ک یونس ۳، ۴).

و عیسا چهل روز و چهل شب در بیابان ماند تا بر نیروهای شریر پیروز شود و سه و سوسه، یعنی تصاحب دارائی‌های زمینی، پرستش خدایان دروغین و تکبر سلطه طلب را از خود براند.

۳- زمانی مهم در زندگی مسیحیان

ایام روزه، مسیحیانی را که می‌خواهند از استادشان عیسی پیروی کنند به نزد وی هدایت می‌کند. او می‌گوید: «به دنبال من آئید» (مرقس ۱: ۱۷). «یک دیگر را محبت نمایند چنان که من شما را محبت نمودم» (یوحنا ۱۳: ۳۴).

* مسیحیان همانند مسیح به کلام خدا گوش می‌دهند تا از آن اطاعت کنند، اطاعت در مشارکتی که عیسا خود درباره‌ی آن فرمود: «خوراک من آن است که خواهش فرستنده‌ی خود را به عمل آورم» (یوحنا ۴: ۳۴).

* تلاش برای «کامل» زیستن در محبت عیسا نوعی دیوانگی است (متی ۵: ۴۸) که عیسی را تا تسلیم جان خود بر روی صلیب هدایت کرد، همان «که یهود را لغزش و امت‌ها را جهالت است لکن ما دعوت شدگان را خواه یهود و خواه یونانی، مسیح، قوت خدا و حکمت خداست» (۱- قرن‌تیان ۱: ۲۳-۲۴). مسیحیان می‌خواهند به نقشه آشتی که ذهن مسیح را در نیایشش مشغول می‌کرد، جواب کامل بدهند. عیسی دعا می‌کرد: «تا ایشان نیز در ما یک باشند» (یوحنا ۱۷: ۲۱).

آن چه مسیحیان در انجام آن می‌کوشند...

مسیحیان دعوت شده‌اند در طول ایام روزه ی بزرگ، نور مسیح را که در روز تعمید از آن منور شده‌اند در زندگی‌شان به کمال برسانند.

* آن‌ها با دقت بیشتری کلام خدا را برای زندگی امروز گوش می‌کنند و زمانی برای نیایش و تفکر با برادران خود اختصاص می‌دهند. در طول این چهل روز، در کلیسا بیشتر با هم مراوده می‌کنند.

* روزه

آری. ولی عیسا فرمانی جز منع تظاهر و ریا نداده است:

«... تو چون روزه داری، سر خود را تدهین کن و روی خود را بشوی تا در نظر مردم روزه دار ننمائی، بلکه در حضور پدرت که در نهان است» (متی ۶: ۱۷-۱۸).

در نظر عیسا، روزه که با دعا همراه شود، اسلحه‌ای برای مبارزه با شریراست (ر. ک متی ۱۷: ۲۱).

کلیسا این معانی را برای روزه داری در نظر گرفته است:

- نشانه‌ی تسلیم همراه با فروتنی به خدا،

- تمرینی برای خویشتن داری،

- ابراز همدردی عملی با کسانی که هیچ ندارند،

- ضمانتی برای این که: «انسان نه محض نان زیست می‌کند» (متی ۴: ۴).

- یک فرد مسیحی به خاطر ایمانش نمی‌تواند به راحتی در این دنیا زندگی کند و توسط روزه، انتظار روز آمدن پرجلال

مسیح را در قلب و زندگی خود یادآوری می‌کند و از این دنیا کم و بیش دوری می‌جوید (لوقا ۵: ۳۴-۳۵؛ ۱۲: ۴۰).

* ایام روزه فرصتی است برای کمک‌های متعدد به هم‌نوعان: برای مشارکت برادرانه عاری از خود نمائی، برای اقدام عمومی در موقعیت‌های اضطراری و احتیاجات مهم مثل گرسنگی در دنیا و اقداماتی در جهت کمک به پیشرفت کشورهای جهان سوم.

* کلیسا فقط قوانین بسیار خفیف به ما می‌دهد چون این‌ها برای همه در هر حال که باشند تعلق دارد اما باید دانست که این قوانین برای ما فقط یادآوری است از این که: هر شخص باید ندای وجدان خود را بشنود و تشخیص دهد که چگونه خدا او را دعوت می‌کند که قسمتی از زندگی خود را دگرگون سازد تا واقعاً با مسیح زندگی کند.

کلام کتاب مقدس

عیسا وعده‌ها و سخنان انبیا را به تحقق می‌رساند، آنانی که به همراه اشعیا می‌گفتند:

«مگر روزه‌ای که من می‌پسندم این نیست:

که بندهای شرارت را بگشائید، و گره‌های یوغ را باز کنید

و مظلومان را آزاد سازید، و هر یوغ را بشکنید.
 مگر این نیست که نان خود را با گرسنگان تقسیم نمائی،
 و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری.
 و چون برهنه را ببینی او را بپوشانی،
 و خود را از آنانی که از گوشت تو می باشند مخفی نسازی.
 آن گاه نور تو مثل فجر طالع خواهد شد ...
 دهان خداوند این را گفته است». (اشعیا ۵۸: ۶-۸)

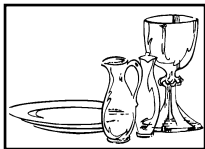
برای مطالعه و تعمق بیشتر :	برای مطالعه ی عمیق تر:
- روزه طبق انجیل.	- تعمق پدران کلیسا بر آشتی.
- رنج الاهی .	- در طلب گناهکاران.
- راه صلیب .	- روزه مسیحیان.
- راز آشتی .	
- هفته ی مقدس .	

متن جهت مطالعه ی گروهی: مرقس ۱۰: ۱۷-۳۴

«معنی چند اصطلاح در آئین مسیحیان»

هللویاه: ترکیب شده از مخفف دو کلمه به زبان عبری؛
 هللو: ستایش و سپاس گوید
 یاه: یهوه خداوند
 ماران تا: خداوند می آید، یا ماراناتا: بیا خداوند ما
 هوشیاعانا: خداوند نجات بده
 آمین: ایمان داریم و می خواهیم آن حقیقت را در زندگی خود برپا کنیم.

رازهای کلیسا



عیسا وعده داده است: « اینک من، هر روزه تا انقضای عالم، همراه شما می باشم» (متی ۲۸:۲۰).

آن چه بعضی ها می گویند...

- * اعیاد زیادی در مسیحیت وجود دارد: تعمید، عشای ربانی، تثبیت روح القدس، ازدواج، دست گذاری...
- * مسیحیان باید به گناهان خود اعتراف کنند.
- * در مراسمشان، از آب، روغن ها و به صورت عجیب از شراب و نان استفاده می کنند.
- چرا نیایش تنها برایشان کافی نیست؟
- * در مراسمشان، همیشه کشیش ها رابط بین خدا و مردم هستند.

لغت sacrament (راز کلیسا) به معنای نشان مقدس است.

* برای مسیحیان، مراسم راز کلیسا، مرحله ای مهم در زندگی ایمانی مشترک است. در این مراسم، آنها عیسای زنده را ملاقات می کنند تا با مشارکت هر چه بیشتر با او، زندگی کنند.

* در میان مسیحیان کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس اهمیت خاصی به رازهای کلیسا می دهند. آنها هفت راز کلیسا را می پذیرند. این برگه، بیشتر دیدگاه کاتولیک ها را توضیح می دهد.

آن چه کاتولیک ها می گویند...

۱- وعده ی عیسا

* عیسا تنها یک استاد روحانی که آموزه ای مذهبی را تعلیم داده باشد، نیست، او عمل کرده است. برحسب خواست پدرش، خدا، او خود را در خدمت انسان ها درآورده و حضور و زندگی خود را به آنها داده است: «من آمده ام تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتر حاصل کنند» (یوحنا ۱۰:۱۰).

* او بی وقفه، با اعمالی آشکار، این قدرت زندگی را متجلی می کرد. یک روز با لمس کردن پلک های یک نابینا، بینایی را به او بازگرداند و در عین حال قلب و نگاه درونیش را به سوی ایمان گشود. بار دیگر مفلوجی را بر تخت روان نزد او آوردند، عیسا به او بخشش خدا را عطا کرد و او را برپاخیزانید و مرد شروع به راه رفتن کرد. به این ترتیب، تمام زندگی انسان ها - قلب، تن، جان، و روحشان، در برخورد با عیسا متحول می شد.

* بالآخره، در صبح عید گذر، با برخاستن از مرگ، عیسا با درخشندگی اظهار می کند که این زندگانی کاملا

نوبن که از عمق وجودش سرچشمه گرفته به همه ایمانداران عطا می کند، این زندگی چیست؟ این همان زندگی خداست یعنی صمیمیت متقابل پدر و پسر و روح القدس.

پیش از بازگشت به سوی پدر آسمانی، شاگردانش را روی کوهی جمع می کند و به آنها وعده می دهد که از این پس تا پایان زمان، این زندگی، به تمامی انسان ها پیشنهاد خواهد شد: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته، همه ی امت ها را شاگرد سازید و ایشان را [...] تعمید داده و ایشان را تعلیم دهید که همه ی اموری را که به شما حکم کرده ام، حفظ کنند. و اینک من، هر روزه تا انقضای عالم، همراه شما می باشم» (متی ۲۸: ۱۸-۲۰).

۲- عیسا در تمام مراحل زندگی انسان ها

از این پس عیسا، توسط کلیسا که در مشارکت با اوست و همراه با قدرت روح القدس به مأموریت خود در جهان ادامه می دهد یعنی شفا دادن، دگرگون کردن و آشتی دادن انسان ها با خدا «تا ما شریک طبیعت الاهی گردیم» (۲- پطرس ۱: ۴).

رازهای هفت گانه نشانه هایی شاخص هستند که، زندگی مسیحیان، زندگی شخصی و زندگی اجتماعی شان، را از زمان توبه ایشان تا مرگ، قدم به قدم مشخص می کنند. این رازها که سرچشمه ی زندگی نوبن ایمانداران در مسیح می باشند را فقط با ایمان واقعی می توان پذیرفت و نتیجه گرفت.

۱) راز تعمید

تعمید، اولین راز مقدس است. تولدی نوبن برای زندگی در مسیح که فرمود: «اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود» (یوحنا ۳: ۵).

کلمه ی تعمید از ریشه ی کلمات مختلف عربی و آرامی عمداً یا عموداً که به کلمه عبری عمَد ربط می یابد و معنی عمیق آن این است که با این راز می توانیم در معبد خداوند در برابر خدا عمودی بایستیم (مکاشفه ۳: ۱۲). اما به زبان یونانی کلمه ی دیگری در انجیل به کار برده شده: Baptisma به معنی غوطه ورشدن در آب. مسیحیان نوپا، در مرگ مسیح فرورفته و در رستاخیز او برمی خیزند و وارد مشارکت کلیسا با مسیح می شوند.

بنابراین، تعمید آب و روح یکی می باشد و به عنوان تولد نوبن و تنها یک بار داده می شود. راز تعمید بر طبق دعوت الاهی خواه در راز ازدواج و خواه در راز وقف کامل زندگی به خدا رشد می کند.

۲) راز تثبیت روح القدس

عیسا اغلب، به کسانی که به سوی او می آمدند، دست می گذاشت تا نیروی الاهی را برای آنها بطلبد. امروز، به واسطه ی این راز مقدس، مسیحیان به طور خاص روح القدس را دریافت می کنند، همان گونه که اولین شاگردان در روز پنطیکاست دریافت کردند.

این روح، آنها را در مبارزه بر علیه قدرت های شریر استوار می کند و باعث می شود که با شور و شوق از عهد خدا با انسان ها شهادت بدهند.

۳) راز سپاسگزاری یا عشای ربانی

عشای ربانی راز مقدس اصلی است. مسیحیان گرداگرد اسقف یا کشیش، همان تجربه ای را کسب می کنند که عیسا و شاگردانش، در شب قبل از مرگش کسب نمودند. عیسا نان را به دست گرفت و گفت: «این است تن من که برای شما داده می شود. این را به یاد من بجا آرید. و هم چنین ... پیاله را گرفت و گفت این پیاله عهدجیداست در خون من که برای شما ریخته می شود». (لوقا ۲۲: ۱۹).

عیسای زنده، آشامیدنی و نوشیدنی مسیحیانی است که زندگی نوین او را با تعمید یافتند و هم چنین اقتدار و شادی آنهاست.

لغت Eucharistie در یونانی به معنای سپاسگزاری است. این آیین «شام خداوند» یا «تقسیم نان» یا «عشای ربانی»، و یا «قربانی مقدس» نیز نامیده می شود. این آیین به خاطر رستاخیز مسیح مخصوصاً روز یکشنبه برپا می شود.

۴) راز آشتی یا اعتراف

عیسا قلب انسان ها را می شناسد. ضعف آنها و مشکل آنها را در وفادار ماندن نسبت به محبت می داند. در جلیل بعد از دعوت عیسا، شاگردانش مشکل می توانستند به دنبالش بروند. ولی محبت خدا هرگز کاسته نمی شود. عیسا بی وقفه بخشایش پدر را ابراز می کند: «برو، گناهانت بخشوده شدند!» وقتی او را به سوی مرگ می برند، یکی از آخرین دعاهایش این بود: «پدر، بر آنها ببخشای...» تمام تلاشش در آشتی دادن انسان ها با پدر خود و با یک دیگر بود.

وقتی ایمان دارا براز پشیمانی می کند و گناهش را اعتراف می نماید، کلیسا - توسط کشیش - بخشایش خدا را رسماً اعلام می کند و آن ایمان دار را آشتی داده و راز تعمید را که با گناهانش زخمی شده بود در او احیا می کند. مسیح در روز رستاخیزش به رسولان فرمود «روح القدس را بیابید، گناهان آنانی را که آمرزیدید برای ایشان آمرزیده شد» (یوحنا ۲۰: ۲۲-۲۳). رسولان نیز این اقتدار را به جانشینان خود منتقل ساختند.

۵) راز تدهین بیماران

انجیل، عیسا را همواره حاضر نزد بیماران به ما نشان می دهد: او تنی چند از آنها را شفا می بخشد و امیدوار می سازد. انسان همیشه ضعیف است. به واسطه ی کلام او و تدهین بیماران با روغن، امروز کلیسا، عمل رحمانی عیسا را ادامه می دهد و این راز نه فقط به اشخاص مشرف به مرگ بلکه به اشخاص بیمار نیز کلیسا آن را همراه با راز آشتی یا اعتراف می دهد (یعقوب ۵: ۱۴-۱۵).

اما برای افراد مشرف به مرگ کلیسا همراه با نیایش خاص، تن مسیح را به عنوان قدرت جهت گذر به سوی پدر به او می دهد (یوحنا ۶: ۵۷).

۶) راز ازدواج

کتاب مقدس، محبت بی حد و حصر و وفاداری بی خدشه ی خدا نسبت به قومش را به ما نشان می دهد. به واسطه راز ازدواج، کلیسا، زوجین را تبرک می کند تا به طریق خدا و در قدرت روح او در وفاداری مستمر یک دیگر را محبت نمایند و در طول عمر به محبت کامل مسیح برسند (افسیان ۵: ۲۵-۳۳). البته در این راز طلاق وجود ندارد اما باید دو نامزد که طلب این برکت را می کنند از هرگونه فشار آزاد شده و بدانند که یکی از اهداف مهم ازدواج بقای نسل است.

۷) راز دستگذاری

عسا دوازده رسول در میان شاگردانش انتخاب کرده بود تا قدرت دهد به قوم نوینی که می بایست کارهای او را ادامه دهد و خدمت کنند و بعد در هر شهر در خدمت کلیسای نوپا، رسولان کسی را به عنوان مسئول انتخاب کرده و آن قدرت مسیح را توسط دستگذاری به او منتقل می ساختند (اع ۱۴: ۲۳؛ ۱۷: ۲۰-۲۸؛ ۱- تیمو ۵: ۱۷-۲۲؛ ۳: ۱-۱۳) و تا به امروز توسط دستگذاری و دعای خاص، از رسولان و به سلسله اسقفان آن اقتدار مسیح به خادمین مسئول کلیسا یعنی اسقفان، کشیشان، شماسان رسید. بنابراین، ایمان داریم به کلیسای رسولی و به نام مسیح و قدرت

اوست که امروز آنها با اعلام مژده‌ی مسیح به همه‌ی انسان‌ها و جمع‌آوری ایمانداران و بادادن این رازها در آیین کلیسایی باعث می‌شوند که قوم خدا در اتحاد جمع شده و مأموریت مسیح را ادامه دهد و با هم توسط روح القدس به ملکوت برسند.

آن چه کاتولیک‌ها در انجام آن می‌کوشند...

* اعمال مربوط به رازهای کلیسا با قرائت کتاب مقدس و سرایش سرودهای کتاب مقدس و مزامیر همراه هستند. به عنوان مثال قسمت اول عشای ربانی همانند آیین یهودیان در کنیسه با قرائت و تعمق در کتاب مقدس و تفسیر آن شروع می‌شود. رازها را نباید به مانند سحر و جادو تجربه کرد. رازها سراسر ایمان و نیایش هستند.

* معمولاً، رازها مراحل مهم زندگی را مشخص می‌کنند و مستلزم آماده‌سازی و تعلیم هستند.

* اغلب، طی مراسم عشای ربانی است که رازهای دیگر برگزار می‌شوند، خصوصاً راز تعمید و تثبیت روح القدس و راز دست‌گذاری.

* مراسم دیگری هم در تقوای کاتولیک‌ها وجود دارند مثل زیارت به اماکن مقدس یا تعمق بر صلیب عیسا یا حمد و تسبیح گروهی که از رازهای هفتگانه کلیسایی نیستند؛ ولی این مراسم قلب‌ها را آماده می‌سازد تا بیشتر و بیشتر در دعای مستمر و مداوم بمانیم.

کلام کتاب مقدس

«این را به یاد من به جای آورید» (لوقا ۲۲: ۱۹)

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

رازهای کلیسا

ریشه‌های تعمید (کتاب مقدس و پیام آن شماره ۴۷)

خدای زنده: بخش ۵ فصل ۴، بخش ۶ فصل ۸-۹، ۱۱-۱۴

بعد از رسوالان، اسقفان

راز محبت

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

تعمید در مرگ و رستاخیز مسیح

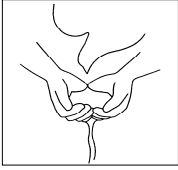
راز تثبیت روح القدس

پدر من خطاکارم

موفقیت در زندگی زناشویی

متن جهت مطالعه گروهی: مرقس ۱۴: ۲۲-۲۶

راز تعمید



«اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا بشود» (یوحنا ۳: ۵).

آن چه بعضی ها می گویند...

* تعمید، یک سنت عجیب است. آب روی سر دریافت کردن،

در دوره ی ما چه معنایی می تواند بدهد؟

* تعمید یافته ها بهتر از دیگران نیستند؟ پس چه فایده؟

* در میان مسیحیان تعمید یافته، بعضی ها خوب و سخاوتمند

هستند و بعضی نیستند. در این شرایط تعمید چه فایده ای دارد؟

* بعضی ها می گویند که تعمیدشانس می آورد و کودکان را

از بعضی بلاها مصون می دارد. تا چه اندازه درست است؟

* شنیده می شود که بعضی ها تعمید در روح را از تعمید در

آب جدا می دانند طبق یوحنا ۳: ۵ این عقیده چه معنایی دارد؟

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- مردن و برخاستن با مسیح

عیسی از مرگ خود به مانند یک تعمیدسخن گفته است.

در حالی که از جمعه بعد از ظهر، در مرگ فرو رفته بود، دو روز

بعد، صبح عید گذر، خدا به او زندگی جدیدی داد.

در راز تعمید، مسیح ما را به دست می آورد (فیلیپیان ۳: ۱۲)

پس ما در آب تعمید غوطه ور شده در مرگ واقعی با او وارد

می شویم تا با رستاخیز او زندگانی نوینی یابیم. (رومیان ۶: ۳-۴).

بنابراین، تعمید یک گذر است. گذر از زندگی قدیمی که در آن زیر سلطه ی گناه بودیم؛ به دنیای جدید خدا، که

منور از وعده های حیات و جاودانگی است.

منظور، دنبال کردن همان راه عیسا، به واسطه زندگی ای مطابق با زندگی اوست. بدین دلیل، نوتعمید یافتگان رسماً

تعهد می کنند از گناه دست بشویند و به ایمان مسیحی اعتراف کنند؛ ایمان به خدای پدر، پسر و روح القدس. و

این مستلزم برکنندگی و تحول و مبارزه هر روزه است.

واژه ی **Baptizein** به یونانی یعنی فرو رفتن، غوطه خوردن، در آب است.

در تمام مذاهب، آب و غسل ها، معنای مقدسی دارند. در زمان عیسا، یحیای تعمید دهنده اعلام

می کرد که آمدن خدا، برای بازسازی دنیا

نزدیک است. او از مردم دعوت می کرد تا خود را

آماده سازند. آن ها می بایست به سوی خدا باز

گردند و به وسیله ی او در آب رودخانه اردن

تعمید بیابند و گناهانشان را اعتراف

کنند. آن ها، برای نشان دادن پشیمانی خود

می آمدند و در مقابل او، در آب فرو

می رفتند. عیسا خودش، این آیین را تجربه کرد.

فرو رفتن در آب، ناپدید شدن و پدیدار شدن

دوباره، مردن و دوباره زنده شدن را به یاد

می آورد، مثل شروع یک زندگی جدید. گاهی

نیز، عبور از دریا یا یک بیابان، برای ورود به

یک کشور دیگر را به خاطر می آورد. همان طور

که موسی با قوم خود کرد. همیشه معنایش تمام

کردن و از نو شروع کردن است.

تعمید، هم چنین عهدی با مسیح است و متحد در مسیح با یک پیمان محبت، تعمید یافتگان با او متعهد می شوند تا از گناه، یک باره و برای همیشه دست بکشند. از این جا، عیسا آن ها را وارد یک رابطه ی محبت آمیز با پدر آسمانی می کند. رابطه ای نزدیک تر و صمیمی تر از رابطه ی پدر - فرزندی.

۲- داخل شدن به يك قوم یعنی کلیسا

چون تعمید یافتگان وابسته به مسیح یگانه هستند پس به مانند اعضای یک بدن، به یکدیگر وابسته اند: «شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید» (۱- قرن ۱۲: ۲۷).

این وابستگی، تمام تفاوت های انسانی را نسبی می کند: «زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید. هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی، و نه غلام و نه آزاد، و نه مرد و نه زن، زیرا که همه ی شما در مسیح عیسا یک می باشید» (غلاطیان ۳: ۲۷-۲۸).

بدین ترتیب، مسیحیان وارد کلیسا می شوند، یک قوم بزرگ، آن جا که همه برادر و خواهرند و به محبت یک دیگر دعوت شده اند و در عمل تحقق این امر در اجتماعات کوچک یا بزرگ، پراکنده در سراسر زمین، انجام می شود. هر کس در آن جا اتکایی را که همه به آن احتیاج دارند تا حقیقتاً در آرمان مسیح زندگی کنند رامی دهند و دریافت می کنند.

این جماعت کوچک یا بزرگ در تمدن خاص رشد می کنند، چون نویر این فرهنگ می باشند (روم ۱۶: ۵؛ یعقوب ۱۸)، همه ی ارزش های این مرز و بوم را به خداوند تقدیم می کنند و این جماعت کوچک، کلیسای محلی نامیده می شود و در مشارکت با همه ی کلیسای محلی دیگر زندگی می کند.

۳- مشارکت در زندگی خود خدا

تعمید، در حقیقت یک تولد دوم است. به مشابَه نوزادی که از بطن مادرش بیرون می آید تا هستی انسانی را فریاد بزند، نو تعمید یافته، در هستی جدیدی وارد می شود. مثل این که دوباره آفریده شده باشد. او یک انسان جدید است و برای همیشه به همان حیات نوین مسیح رستاخیز شده در صمیمیت با پدر زندگی می کند.

تعمید یافته به نام پدر، او از این پس فرزند خداست: «ملاحظه کنید، چه نوع محبت پدر به ما داده است تا فرزندان خدا خوانده شویم، و هم چنین هستیم» (۱- یوحنا ۳: ۱). تعمید یافته به نام پسر، مسیح در او جای می گیرد و می تواند همراه با پولس بگوید: «نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می کند» (غلاطیان ۲: ۲۰). تعمید یافته به نام روح القدس، او به واسطه این روح، وادار می شود زندگی جدیدی را که در ایمان پذیرفته متجلی سازد. او خود را به خدمت برادرانش می گمارد تا از این دنیا، سرزمین عدالت و صلح بسازد. او که در راز تعمید محبت خدا را لمس کرده، اعلام می کند خدا نسبت به هر انسان همان محبت را داراست.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

امروزه، با بازگشت به سنتی بس قدیمی، متقاضیان تعمید بیشتر و بیشتر تعمید را در بزرگسالی می گیرند. با وجود این، اکثر مسیحیان در خردسالی تعمید می گیرند و در این صورت، آن ها تعمید یافته در ایمان کلیسا هستند و پدر و مادرها این مسئولیت را به عهده می گیرند که آن ها را، هم چنان که بزرگ می شوند، در این ایمان تربیت کنند. قبل از تعمید، همیشه یک زمان آمادگی لازم است. تعمید مستلزم ایمان است. پس لازم است که نامزد تعمید (و اگر او خیلی جوان است، پدر و مادرش) از مسیح و زندگی در ایمان شناخت پیدا کند و اجتماع مسیحی، باید

تحقیق کند که تعمید گیرنده، همه ی تعهداتی که لازمه دعوت به دنبال مسیح رفتن است را درک کرده و تصمیم گرفته که آن ها را قبول کند. و این مستلزم زمانی طولانی تعمق بر زندگی و سخنان مسیح و نشست و برخاست با یک اجتماع مسیحی حقیقی است.

برگزاری تعمید بعد از گام های رسمی متعدد به سوی مسیح در یک کلیسا، در میان ایمانداران مسیحی انجام می گیرد. نامزد تعمید رسماً تعهد می کند که از شیطان دوری جوید و ایمان کلیسا را آشکارا اعلام می کند. سپس او را در آب فرو می برند و در آن حال، کشیش یا خادم به او می گوید: «تورا به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می دهم». سپس نو تعمید گرفته به لباس سفید ملبس می شود و یک شمع دریافت می کند. مسیح برخاسته، نور او می شود. سپس در جماعت تعمید یافتگان رسماً وارد می شود که همراه با آن، در آیین سپاسگزاری شریک شده و نان مقدس دریافت خواهد کرد.

بعد از تعمید، این راز مقدس تنها یک بار در زندگی داده می شود. این یک شروع است، یک لحظه یگانه در زندگی، زیرا تولدی نوین است و به دنبال آن، در مدتی کم و بیش کوتاه، یک آیین مذهبی دیگر یعنی راز تثبیت روح القدس صورت می گیرد که پویایی آن را تداوم می بخشد. پس از آن شاید با شهادت دادن، مبارزه ها، شکست ها و پیروزی هایی بیش آید، ولی عیسا هرگز کلامش را پس نمی گیرد. هرگز عهدی را که در تعمید با کسی بسته است، نفی نمی کند. تعمید گرفته در تمام طول زندگیش دعوت می شود که این عهد را مستحکم سازد. مهمترین آن ها، راز عشای ربانی، غذای لازم این زندگی جدید است که در تعمید، از عیسا دریافت کرده است.

کلام کتاب مقدس

پطرس بدیشان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسا مسیح، به جهت آمرزش گناهان، تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت، زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه ی آنانی که دورانید یعنی هر که خداوند خدای ما، او را بخواند» (اعمال ۲: ۳۸-۳۹).

سیریل اسقف اورشلیم در قرن چهارم به تازه تعمید یافتگان می گفت:

«در شب تعمید، شما لباس را از تن برگرفتید به نشان خالی شدن از انسانیت کهنه ی خود و اعمال وی. بنابراین عریان ماندید، به مانند مسیح، روی صلیب [...] سپس شما را به برکه ی مقدس تعمید الاهی بردند، همان طور که در گذشته مسیح را از صلیب به مقبه ی مجاور بردند و از هر یک از شما پرسیده شد که آیا به نام پدر، پسر و روح القدس ایمان دارید. بنابراین، شما ابراز ایمان نجات بخش کردید و سپس سه بار در آب فرو رفتید و از آن برآمدید، این نماد آن سه روز بود که عیسا در قبر گذرانید. بدین ترتیب، شما می میرید و در همان زمان متولد می شوید و این آب مقدس، در عین حال، برای شما قبر و بطن مادر است. وه چه چیز عجیب و خارق العاده ای! (ر. ک رومیان ۶: ۳-۱۱).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

*ریشه های تعمید.

* آیین تعمید در شب گذر.

* برگه های سری اول، شماره ی ۹ «کلیسا» و شماره ی ۶ «راز تعمید».

متنی از راز تعمید
(پیر خطاب به حق جویان)

پیر: ... می خواهی تعمید یابی؟

حق جو: آری، می خواهم.

(حق جو به یاری پدر خوانده خود به حوض تعمید فرو

می رود. پیر دستش را بر سر حق جو قرار می دهد)

پیر: ... به خدا، پدر پر توان، ایمان داری؟

حق جو: به پدر ایمان دارم.

پیر: ... تو را به نام پدر تعمید داده و در پدر غوطه ور می سازم.

همه: آمین.

پیر: به عیسیای مسیح، پسر یکتا و خداوند ما که برای نجات ما مرد و رستخیز کرد ایمان داری؟

حق جو: به پسر ایمان دارم.

پیر: ... تو را به نام پسر تعمید داده و در پسر غوطه ور می سازم.

همه: آمین.

پیر: ... به روح القدس که به ما زندگانی می بخشد

و در کلیسا ما را به سوی ملکوت جاودانه رهبری می کند ایمان داری؟

حق جو: به روح القدس ایمان دارم.

پیر: ... تو را به نام روح القدس تعمید داده و در روح القدس غوطه ور می سازم.

همه: آمین.

پیر: با مسیح بر خاسته از میان مردگان، برخیز.

(در حالی که پدر خوانده به شخص تازه تعمید یافته جهت لباس پوشیدن

کمک می کند همه به جای خود بر می گردند و در این بین چنین می سرایند:)

همه: هلولیا (۳ بار).

خواننده ی اول: تنها یک بدن هست و یک روح،

تنها یک امید، تنها یک خداوند

یک ایمان، یک تعمید.

و تنها یک خدا که پدر همه است. (ر. ک افسسیان ۴: ۴-۶).

همه: هلولیا!

خواننده ی دوم: زیرا که مسیح نیز برای گناهان یک بار زحمت کشید،

یعنی عادلانه برای ظالمان

تا ما را نزد خدا بیاورد.

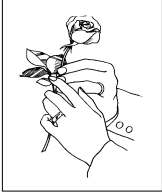
در حالی که بر حسب جسم مرد اما بر حسب روح زنده گشت. (۱- پطروس ۳: ۱۸).

همه: هلولیا!

پیر: ... تو در مسیح تعمید یافته ای، تو به مسیح ملبس شده ای، ردای خود را تا حیات جاودان بدون لکه

حفظ کن.

راز ازدواج



«در محبت رفتار نمایند، چنان که مسیح هم ما را محبت نمود و خویشتن را برای ما تسلیم کرد» (افسیان ۵: ۲).

آن چه بعضی ها می گویند...

* ازدواج یعنی عشق در زندان.

* می توان یک دیگر را دوست داشت، بدون این که از مقابل مسئول محضر و دین گذشت ...

* وفادار بودن فقط به یک شخص در طول عمر غیرممکن است.

* مرد می گوید: تعدد زوجات، مطابق طبیعت است و از داشتن معشوقه های پنهانی صادقانه تر است.

* زن می گوید: نمی خواهم شوهرم را با زن دیگری تقسیم کنم، تعدد زوجات جهنم است!

* همه باید ازدواج کنند، این شریعت خداست.

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- وقتی خدا عهد می بندد

* کتاب مقدس به ما مکشوف می سازد که خدا طرف

ضعیف و جفادیده را می گیرد. او حتی قومی را انتخاب

کرده که به بردگی کشیده شده است تا او را به آزادی

راهنمایی کند. به این قوم، قوم اسرائیل عهدی را پیشنهاد می کند: محبت الاهی خود را عطا می کند و در مقابل

وفاداری بی قید و شرط و هم چنین احترام به فرامینش را می طلبد.

* این عهد، به واسطه ی عدم اطاعت و سرکشی و بت پرستی انسان ها، بارها شکسته شده است. خدا، خودش، وقتی از

شریعت هزار چهره

ازدواج واقعیتی است که در تمام تمدن ها و

فرهنگ ها دیده می شود. شکل آن بر حسب ملت ها و

جوامع بسیار مختلف است. بعضی ها تک همسری و

بعضی ها تعدد زوجات را به کار می گیرند. بعضی

دیگر امکان طلاق و ازدواج دوباره را قبول دارند.

بعضی جوامع، عقیده دارند که خانواده بر مادر و قبیله

مادری (مادرسالاری) مرکزیت دارد. بعضی دیگر، بر

پایه ی اصل و نسبت پدری شکل می گیرند و اجازه

نمی دهند جوانی بیرون از نژاد و خانواده خود ازدواج

کند و بهتر می دانند با نزدیکان خانواده ازدواج کند.

بنابراین، کلیسا ازدواج را ابداع نکرده است، ولی آن را

تقدیس می کند و به آن بعدی خاص می بخشد.

البته در میان مسیحیان بعضی ها دعوت شده اند که

ازدواج نکرده و تنها برای خدمت به خدا و هم نوعان

در محبت زندگی کنند و توسط قدرت روح القدس و

نه قدرت انسانی فرزندان زیادی داشته باشند.

زبان پیامبران سخن می گوید، این عهد را به یک ازدواج تشبیه می کند که همسر بی وفا است ولی شوهر می بخشد و دائم محبت خود را عطا می کند: «تو را به ابد نامزد خود خواهم ساخت و تو را به عدالت و انصاف و رأفت و رحمانیت، نامزد خود خواهم گردانید» (هوشع ۲: ۲۱).

*خدا همیشه به عهدش وفادار می ماند. هرگز محبتش را از قومش پس نمی گیرد. و حتی وعده داده است که این عهد، به گونه ای اعجاب انگیز تجدید خواهد شد: «چنان که مردی جوان، دوشیزه ای را به نکاح خویش در می آورد، هم چنان پسران تو را منکوحه خود خواهند ساخت و چنان که داماد از عروس مبتهج می گردد، هم چنان، خدایت از تو مسرور خواهد شد» (اشعیا ۶۲: ۵).

از این جا، این عهد الگویی هر ازدواج انسانی می شود. خدا اعضای قومش را دعوت می کند که همان طور که او محبت می کند، محبت داشته باشند.

*رفته رفته، این پیروی از مهربانی و وفاداری خدا، قوم برگزیده را رهنمون کرد که ازدواج تک همسری را بهتر بدانند که در این ازدواج، محبت مابین همسران را کاملاً مساوی و متقابل می باشد.

۲- عیسا این عهد را تجدید می کند

*عیسا خود را هم چون داماد قومش معرفی می کند (لوقا ۵: ۳۴-۳۵). این همان عنوانی است که عهد قدیم به خدا می دهد.

*عیسا با به خطر انداختن زندگیش در نهایت، عهد حقیقی و جدید را تحقق می بخشد. او کاملاً به خدا، پدر خود وفادار است تا آن جا که زندگیش را تقدیم می کند و به انسان ها به غایت محبت می کند: «این پیاله ی عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می شود» (لوقا ۲۲: ۲۰).

*بعد از این، هیچ گناه انسانی نمی تواند صبر خدا را از بین ببرد. او هرگز اجازه نخواهد داد که در برابر گناهان ما و خشم خود این عهد را از بین ببرد. عیسا برخاسته، تضمین زنده ی آن است.

هم چنین در ازدواج انسانی، همسران به یک اتحاد با وفا دعوت شده اند: «خالق در ابتدا، ایشان را مرد و زن آفرید و گفت: از این جهت، مرد پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش بیوندد و هر دو یک تن خواهند شد. بنابراین، بعد از آن، دو نیستند بلکه یک تن هستند. پس آن چه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد» (متی ۱۹: ۴-۶).

۳- یک راز مقدس

*محبت بین مرد و زن، چنان به شدت عهد بین خدا و قومش را ابراز می دارد و آن قدر محبت نامرئی خدا نسبت به هر انسان را آشکار می سازد که کلیسا آن را راز پربرکت ساخت.

*ازدواج یکی از هفت راز مقدس است؛ با ازدواج کردن، مسیحیان، با قدرت روح القدس نشان محبت مشتاقانه ای که در خداست، می گیرند. با محبت یک دیگر، هر روز، محبتی که در عیسا، خداوند آنها وجود دارد را متجلی می کنند.

این نشان، در صورت جدایی همسران، دیگر داده نمی شود. بدین ترتیب، وقتی یکی از همسران، بعد از طلاق بخواهد با کس دیگری ازدواج کند، کلیسای کاتولیک حاضر نیست ازدواج دوم را به صورت راز مقدس برگزار کند.

در عوض یک مرد یا زن بیوه می تواند یک ازدواج تقدیس شده جدید منعقد کند.

*بالاخره، محبت انسانی نمی تواند از تمایل به زندگی بخشیدن جدا باشد. فرزندان، توسط همسران مسیحی به مانند تبرک خدا پذیرفته می شوند.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

محبت عیسا برای بشریت، الگوی ازدواج بین مسیحیان شده است: «ای شوهران، زنان خود را محبت نمایید، چنان که مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد [...] و زن، شوهر خود را باید احترام کند» (افسیان ۵: ۲۵-۳۳).

قبل از ازدواج

اغلب، اجتماعات مسیحی برای جوانان یک آمادگی جهت ازدواج آینده شان تدارک می بینند. باید به آن ها کمک کرد تا از ارزش ها و الزامات تعهدشان آگاهی یابند. وقتی یکی از نامزدها مسیحی نیست، کلیسا الگوی ازدواج در مسیحیت را در احترام به اعتقاداتش به او معرفی می کند و از او می خواهد که موضوع تحریم طلاق و تعدد زوجات را رعایت کند که در این صورت کلیسا می تواند این ازدواج را برکت دهد.

ازدواج

این پیوند در کلیسا منعقد می شود. در مقابل کشیش و اجتماع، زوجین، قصدشان را برای پایه گذاری یک خانواده اعلام می کنند «آزادانه و بدون اجبار». سپس موافقت و تعهد می کنند «یک دیگر را وفادارانه در خوشبختی یا در مشکلات، محبت کنند و یک دیگر را در تمام طول زندگیشان یاری کنند» در نتیجه چون موضوع اصلی ازدواج محبت است قطعاً باید دو شخص کاملاً با آزادی و بدون هیچ فشار از طرف خانواده یا اجتماع تصمیم بگیرند و ازدواج کنند.

کلیسا اگر تشخیص می دهد کسی بدون آزادی ازدواج کرده اعلام می کند که این ازدواج منحل بوده و وجود ندارد.

یک آرمان مشکل

برای همسران، گروه هایی تشکیل می شوند که به آن ها کمک می کند تا وفاداری دو جانبه زندگی خود را استحکام بخشند و در محبتشان عمیق شوند. وقتی ازدواج به واسطه بی وفایی یا عدم درک متقابل شکست خورد، کلیسا از همسران می خواهد به تعهد قدیمشان وفادار بمانند. مطلقینی که دوباره ازدواج می کنند (ازدواج مدنی)، دیگر نمی توانند رازهای مقدس را دریافت کنند، لیکن از کلیسا کاملاً جدا نمی شوند. آن ها نیز مثل همه ی تعمید یافتگان، به نیایش و محبت خدا و دیگران و زندگی در امید دعوت شده اند.

ازدواج و باروری

در برابر پیشرفت های علم و مشکلات ازدیاد جمعیت، مسیحیان نیز، البته نه بدون کشمکش، به دنبال بهترین راه کنترل باروری هستند که کیفیت محبت و احترام به زندگی را به مخاطره نیاندازد.

کلام کتاب مقدس

«محبت حلیم و مهربانست. محبت حسد نمی برد. محبت کبر و غرور ندارد. اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی شود. خشم نمی گیرد و سوء ظن ندارد. از ناراستی خوشوقت نمی گردد، ولی با راستی شادی می کند. در همه چیز صبر می کند و همه چیز را باور می نماید. در همه حال امیدوار می باشد و هر چیز را متحمل می باشد. محبت هرگز ساقط نمی شود» (اول قرنتیان ۱۳: ۴-۸).

«هر که زن خود را طلاق دهد و زن دیگر اختیار کند، زنا کرده است، و نیز هر که زنی مطلقه را به زنی بگیرد، مرتکب زنا شده است» (لوقا ۱۶: ۱۸).

«عیسی پاسخ داد: مردم این عصر زن می گیرند و شوهر می کنند. اما آنان که شایسته ی رسیدن به عصر آینده و قیامت مردگان محسوب شوند، نه زن خواهند گرفت و نه شوهر خواهند کرد و نه دیگر خواهند مرد؛ زیرا مانند فرشتگان خواهند بود. آنان فرزندان خدایند، چرا که فرزندان قیامتند» (لوقا ۲۰: ۳۴-۳۶).

«پطرس گفت: «ما که خانه و کاشانه ی خود را ترک گفتیم تا از تو پیروی کنیم»، عیسا به ایشان گفت: «آمین، به شما می گویم، کسی نیست که خانه یا زن یا برادران یا والدین یا فرزندان را به خاطر پادشاهی خدا ترک کند، و در همین عصر چند برابر به دست نیاورد، و در عصر آینده نیز از حیات جاویدان بهره مند نگردد» (لوقا ۱۸: ۲۸-۳۰).

تاجگذاری زرجین

کشیش ای پدر قدوس، با فیض خود ما را آفریده‌های ودعوت کرده ای که صورت و شباهت تو را بپذیریم؛ با مهربانی خود گناهان این فرزندان را که با آب تعمید پاک شده اند ببخشای تا در محبت خود رشد کرده کامل گردند؛ تو را سپاس گفته و در راه خود به سوی ملکوت آسمانی از یک دیگر حمایت کنند. باشد که در روز آخر تاجگذاری شده، به جلال یکتا پسرت همراه با همه ی عادلان با سرود و پایکوبی در حجله ی پسر محبوبت واود شوند.

زوجین خم گردیده‌چنین می سرایند: خدای قدوس، قدوس و جاودان بر ما رحمت فرما.

کشیش ای پدر قدوس، تو که همه ی عادلان پیشین، از آدم و حوا تا نوح، از ابراهیم و سارا تا زکریا و حنا را برکت دادی، هم چنین این جماعت کلیسایی و مخصوصا این دو فرزندت را برکت ده. برای این دو در طول زندگی ایشان آرامشخاصت را فراوان گردان و با رحمت خود تمام عمرشان را برکت ده تا به اراده ی تو وفادار بمانند. فرزندان متعددی را به ایشان واگذار کن تا با پیروی از محبت تو آنان را در ایمان و خوش حالی فرزندان گسترش دهند. باشد که همیشه این زوج و این خانواده، به توجلال و افتخار، سپاس و پرستش دهند، ای پدر قدوس از راه یکتا پسرت عیسا ی مسیح.

زوجین خم گردیده آواز می خوانند: خدای قدوس، قدوس و جاودان، بر ما رحمت فرما.

کشیش ای عیسا ی مسیح، خداوند و داماد آسمانی ما، تو بر صلیب، خون خود را به عنوان جهیزیه و هدیه ی عروسی به کلیسای خود عطا فرمودی تا با او عهد خود را صحنه بگذاری؛ تو به انسان زخمی شده به واسطه ی عمل گناه، تولد نویی را در راز گذر خود عطا فرمودی و دوباره او را به صورت خود شکل دادی تا بتواند محبت نماید، به ما رحمت فرما.

زوجین: خداوندا در بر رحمتت را بر ما بگشا.

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

- رجوع شود به فیش «رازهای مقدس».

- راز محبت.

- موفقیت در زندگی زناشویی.

- ازدواج راز مقدس.

عملکرد مسیحی



برای من زندگی مسیح است... «زندگی می‌کنم، لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند» (پولس رسول).
«محبت کن و هر چه می‌خواهی بکن» (اگوستین قدیس).

آن چه بعضی‌ها می‌گویند...

مسیحیان، به واسطه وطن، به واسطه زبان و به واسطه لباس، از دیگر انسان‌ها متمایز نیستند. نوع زندگی آن‌ها هیچ تفاوتی ندارد. هر یک در میهن خود زندگی می‌کند ولی مثل غریبه‌ای مسکن گزیده است. آن‌ها همه وظایف هم میهن خود را به جای می‌آورند و همه مسئولیت‌ها را به عهده می‌گیرند. ولی به مانند غریبان، هر سرزمین غریبه‌ای وطن آن‌هاست و هر میهن برایشان سرزمین غریبه است. آن‌ها به مانند همه ازدواج می‌کنند و صاحب فرزند می‌شوند، ولی نوزادان خود را رها نمی‌کنند. آن‌ها، همگی سفره‌شان را به اشتراک می‌گذارند ولی بسترشان را نه. پس، آن‌ها بدن دارند ولی بر حسب بدن زندگی نمی‌کنند. آن‌ها زندگیشان را در زمین می‌گذارند ولی وطنشان آسمان است (نامه به دیوگنت Diognète قرن سوم).

* آیا مسیحیان واقعاً زندگی زمینی را جدی می‌گیرند؟
آن‌ها تنها به ماورا فکر می‌کنند.

* آرمان پیشنهادی مسیحیت، آرمانی دست نیافتنی یا حداقل خیلی مشکل است...

* قانون چشم برای چشم، دندان برای دندان، عادلانه تر از این است که گونه‌چپ را به کسی که بر گونه راست سیلی زده است نشان دهیم.

* مسیحیان خوشبختی را خفه می‌کنند: قوانین اخلاقی‌شان، دائماً آن‌ها را از انجام آن چه که دوست دارند و آن چه که دلپذیر است، باز می‌دارد و آن‌ها را سختگیر و بدخو می‌کند.

* مسیحیان رباکار هستند: چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند. «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

* مسیحیان اغلب در جایی که باید با فقر مبارزه کرد، حضور دارند.

آن چه مسیحیان می‌گویند...

۱. کارهای آن‌ها از کارهای عیسائشاد می‌گیرد

* عیسا می‌خواهد انسان‌ها را نجات بدهد: «من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتر حاصل کنند» (یوحنا ۱۰:۱۰). اغلب شفا می‌بخشد، به مفلوج می‌گوید: «برخیز و روانه شو»، به مرد گناهکار می‌گوید: «که گناهانت بخشیده شد» (متی ۹:۲).

* بدین دلیل، عیسا دعوت می کند که از او پیروی کنند تا زندگی نوین بیابند: «بیائید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید» (متی ۱۱: ۲۸). «هر که به من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد» (یوحنا ۶: ۴۷).

* مسیح کسانی را که دعوت می کند، امکان عمل می دهد. زندگی نوینی که به رایگان به آن ها می دهد، در اقتدار جدید و عمل کرد نوین، متجلی می شود.

تعمید رازی است که دعوت عیسا را یادآوری می کند و فیض زندگی نوین او را می دهد که مسیحیان در آن فروبرده شوند. طرز زندگی عیسا منشاء عمل کرد آن ها می شود و می تواند مثل پولس رسول بگویند: «این مسیح است که در من زندگی می کند» (غلاطیان ۲: ۲۰).

۲- این عمل کرد، در يك ابتکار دائمی تحقق می یابد

* باید، این زندگی که مسیح به ما می دهد و این عطایای خدا که عیناً در توانایی ها و فضایل هر کس متجلی می شود را به کار گرفت. بدین ترتیب، مسیحیان در تکامل دنیا و ارزش دادن به آفرینش، سهم می شوند. در این جا عظمت یک مأموریت و جواب یک دعوت وجود دارد.

* این جواب همیشه آزادانه انجام می گیرد. موضوع این نیست که تنها تصمیمات از بالا رسیده را انجام دهند یا اوامر مکتوب خدا را نکته به نکته رعایت کنند، بلکه باید، حقیقتاً عمل کرد خود را طبق مسیح ابداع کنند. هر کس باید، در وجدان خودش، آنچه انجام دادن آن نیکوست را تشخیص دهد. وجدانش برای او، «پیام آور از خدا» است (تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک، شماره ی ۱۷۷۸).

۳- این عمل کرد به نشانه های روشنی نیاز دارد.

* انسان، همیشه به راهی برای راهنمایی آزدیش، به نوری برای روشن کردن تصمیماتش، به نشانه ای برای ابداع عملش، نیاز دارد.

تجربه دیگران، سنت های محلی و حکمت قدما، برای مسیحیان کمک بزرگی هستند.

* ولی کتاب مقدس، مکان برگزیده ایست که در آن می توانند این نشانه ها را بیابند: اول از همه ده فرمان است که توسط خدا به موسی داده شد و مربوط به تجربه های بزرگ هر زندگی انسانی هستند: سپس فریادهای پیامبران که به پاکی قلب و دفاع از فقیران دعوت می کنند؛ خصوصاً دعوت های عیسی به رفتارهای نوین: بخشایش، مشارکت، خدمت ...

* رفتار خود عیسا معنی سخنان او را روشن می سازد مثلاً وقتی به ما گفت: «گونه چپ را به کسی که بر گونه راست سبیلی زده است نشان دهیم» هیچ وقت حقوق بشر را نمی خواست از بین برد اما زمانی که به خاطر شهادت به ما جفا می کنند در آن زمان مثل مسیح که جواب نداد و ساکت ماند و از خود دفاع نکرد (چون پدر از او دفاع می کرد) ما نیز از خود دفاع نمی کنیم زیرا به ما قول داده که در چنین مواقعی روح القدس به جای ما جواب می دهد. (متی ۱۰: ۲۰؛ یوحنا ۱۵: ۲۷-۲۶)

همه چیز را به یک الزام خلاصه می کند: محبت به خدا و دیگران، همان طور که مسیح ما را محبت می کند. گناه کردن رد محبت است.

* بالاخره، کلیسای کاتولیک، در حیطه ی این محبت، درباره ی عمل کرد مربوط به زندگی خانوادگی، اقتصادی یا سیاسی، عدالت و صلح بین انسان ها و ملت ها، جهت هایی به اعضای خود می دهد.

۴- عمل کرد مسیحیان در سپاسگزاری به اوج و غایت خود می‌رسد.

همه چیز فیض و عطای خداست، و همه چیز باید به سوی خدا بازگردانده شود. سرچشمه‌ی عمل نیکو در رحمت رایگان خداست؛ و انسان نمی‌تواند به خود فخر کند که این عمل از خودش سرچشمه گرفته است. به همین دلیل، عمل کرد مسیحیان، همیشه باید در نیایش، حمد و سپاسگزاری پایان یابد. پولس رسول می‌گوید: «پس خواه بخورید، خواه بنوشید، هر چه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید» (اول قرنتیان ۱۰: ۳۱).

آن چه مسیحیان در انجام آن می‌کوشند...

۱- آن‌ها ظاهراً مثل همه زندگی می‌کنند: زندگی بیرونی آن‌ها از بقیه انسان‌ها قابل تشخیص نیست. البته، آن‌ها باید در پیروی از عیسی، دائماً به نفع فقیران و افراد منزوی، عمل کنند، بخشایش کنند و برای عدالت مبارزه کنند. ولی همه این‌ها، مختص مسیحیان نیست.

عمل کرد مسیحیان خصوصاً از درون، در قلب آن‌ها بداعی است: دائماً متحد با عیسا زیستن و مسکن روح بودن. به انجام رساندن هر چه بهتر اراده‌ی خدا از ورای وظایف معمول انسان‌ها. و بدین ترتیب، آماده کردن «آسمانی جدید و زمینی جدید»، آن‌جا که دیگر «موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رد نخواهد نمود، زیرا که چیزهای اول در گذشت» (مکاشفه ۲۱: ۱-۴).

۲- بدین دلیل، مسیحیان دعوت شده‌اند که مرتباً عمل کرد خود را مرور کنند و با اراده خدا، با دعوت‌های درونی روح القدس، مطابقت بدهند. گاهی در سکوت و تعمق و دعا از زندگی عادی دوری کرده و گروهی، عمل خود را بررسی و تصحیح کنند و هم چنین از خدا طلب بخشش نمایند.

گروه‌های زیاد مسیحی، نهضت‌های جوانان و بزرگسالان، هدفشان تشخیص حضور خدا در زندگی‌شان است که با دقت بیشتری با مسیح زندگی کنند.

هم چنین، گروه‌های راهب یا راهبه، اعضایشان را گرداگرد یک شخص بنیان‌گزار مرد یا زن جمع می‌کنند که با عمل روزانه‌اش سعی کرده، به طریقی خاص به نهایت وفاداری به عیسا برسد مثلاً: فرانسیس آسیزی قدیس، ترز لیزیوی قدیس، مادر ترزا، ...).

۳- بالاخره، مسیحیان روزهای یکشنبه جمع می‌شوند تا نیایش کنند و سپاس خدا را بگویند. کلیسا، آن‌چه لازم است را در اختیارشان می‌گذارد تا هر کس و اجتماع تماماً، در ایمان زندگی کنند و رشد نمایند: این لازمه‌ها، رازهای مقدس هستند (تعمید، تثبیت روح القدس، عشاء ربانی ...) و هم چنین زمان‌های برگزیده (ایام روزه، زیارت، انزوا، ...).

کلام کتاب مقدس

«اما چون پسر انسان (عیسا، نجات دهنده) در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید [...]، جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آن‌ها را از هم دیگر جدا می‌کند. به قسمی که شبان‌میش‌ها را از بزها جدا می‌کند. و میش‌ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آن‌گاه، پادشاه به اصحاب طرف راست می‌گوید: «بیائید ای برکت یافتگان از پدر من، و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث بگیرید. زیرا چون گرسنه بودم، مرا طعام دادید؛ تشنه بودم، سیراب نمودید؛ غریب بودم، مرا جا دادید؛ عریان بودم، مرا پوشانید؛ مریض بودم، عیادت کردید؛ در حبس بودم، دیدن من آمدید. آن‌گاه عادلان به پاسخ گویند: ای خداوند،

کی گرسنه ات دیدیم تا طعامت دهیم یا تشنه ات یافتیم تا سیرابت نمائیم، یا کی تو را غریب یافتیم تا تو را جا دهیم یا عریان، تا بپوشانیم. و کی تو را مریض یا محبوس یافتیم تا عیادتت کنیم؟ پادشاه در جواب ایشان می گوید: هر آینه به شما می گویم، آن چه به یکی از این برادران کوچک ترین من کردید، به من کرده اید!» (متی ۲۵: ۳۱-۴۰).

برای مطالعه و تعمق بیشتر...

* رجوع شود به برگه های سری دوم شماره های ۲/۱۰ «خدمت»، ۲/۹ «شریعت خدا».

برای مطالعه ی عمیق تر:

* حکمت مرد فقیر.

* داستان یک زندگی ترز مارتن.

* اخلاق و رفتار طبق انجیل.

* پاسخ مسیحی .

سرود فرانسیس مقدس

ای عیسا سرچشمه ی محبت

ترحم نما که محتاج تو هستیم

محبت نمایان سازیم

پرکنیم جای او را با دوستی خدا

همآهنگی ایجاد کنیم

حقیقت را آشکار سازیم

شادمانی برپا کنیم

هرجا نفرت می باشد

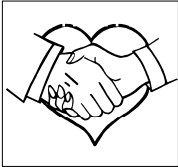
هرجا که رنجشی در میان ماست

هرجا ناسازگاری در کار است

هرجا اشتباه و نادرستی است

هرجا غم و اندوه باشد

شریعت خدا



«عیسا پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما. این نخستین و بزرگترین فرمان است. دومین فرمان نیز هم چون فرمان نخستین، مهم است: همسایه ات را هم چون خویشتن محبت نما. این دو فرمان، اساس تمامی شریعت موسی و نوشته های پیامبران است» (متی ۲۲: ۳۷-۴۰).

آن چه بعضی ها می گویند...

* همه ی مذاهب سعی می کنند، شریعت خود را تحمیل کنند: می گویند که از خدا می آید، درحالی که از انسان ها می آید ...

* نه خدا، نه ارباب. من آزادم، هرطور می خواهم، زندگی می کنم.

* یک خدای ژاندارم؟ نه، متشکرم!

* نژاد پرستی بهتر از خداپرستی است!

* دیگر درست نمی دانم چه فکر کنم؛ به من بگویید چه باید بکنم: مجاز است یا ممنوع؟

* مسیحیان زیاد سهل انگار و آسان گیرند: فساد را در دنیا می کارند ...

* کافیسیت که به حروف شریعت با دقت عمل کنیم تا نجات یابیم ...

فرامین

بعد از یادآوری محبت های خدا به قومش، کتاب مقدس، شریعتی که خدا توسط موسی به قومش می دهد را اعلام می دارد: (خروج ۲۰: ۲-۱۷)

«من هستم خداوند خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم.

۱- تو را خدایان دیگر، غیر از من نباشد.

۲- نام خداوند خدای خود را به باطل مبر.

۳- روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی.

۴- پدر و مادر خود را احترام نما.

۵- قتل مکن.

۶- زنا مکن.

۷- دزدی مکن.

۸- شهادت دروغ مده.

۹- به خانه همسایه خود طمع مورز و به زن همسایه ات.

۱۰- به هیچ چیز که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.

آن چه مسیحیان می گویند...

۱- شریعت عطیه ی خداست.

عادتاً، یک شریعت برای یک ملت مشخص و یک جامعه خاص ارزش دارد.

* کتاب مقدس روایت می کند که بعد از آمادگی طولانی، خدا، ملتی را انتخاب می کند و با او عهدی می بندد و به او فرامینش را می دهد. اگر آن قوم فرمان را رعایت کند، تحقق وعده های الهی را خواهد دید! این فرمان خدا، در دکالوگ یا ده حکم خلاصه می شود و به واسطه ی موسی در کوه سینا، مکشوف شد.

* این فرمان، مغایر با فرمانی که خدا در قلب یا وجدان هر انسان نگاشته است تا بتواند با شرافت، خود را در زندگی رهبری کند، نمی باشد. فرمان قلبی که فرمان اخلاقی نامیده شده است، مانند طرح اولیه ی فرمان خداست. خیلی از انسان ها، فرمان دیگری برای تضمین هستیشان ندارند.

* فرمان خدا، شریعت تقدیس می باشد و خدا وقتی به قوم خود آن را داده است در واقع چیزی از خود عطا کرد و می گوید: «و برای من مقدس باشید زیرا که من خداوند قدوس هستم...» (لاویان ۲۰:۲۶).

بنابراین، قوم تقدیم شده به خدا باید شریعت او را رعایت کند.

* این فرمان، هم چنین فرمان زندگی است. ایمان دار را بر جاده سخت تکامل خود، هدایت می کند. موسی به قوم اسرائیل گفت: «ببین، امروز حیات و خوشبختی یا موت و بدبختی را پیش روی تو گذاشتم. فرامین او را نگاه داری، تا زنده مانده، افزوده شوی» (تثنیه ۳۰:۱۵-۱۶). فرمان، هدیه ایست که خدا، هر روزه به قومش می دهد تا زندگی کند و در بدبختی ها و بردگی فرو نرود.

* بالاخره، این فرمان خدا، فرمان محبت است: «پس خداوند خدای خود را به تمامی جان و تمامی قدرت خود محبت نما» (تثنیه ۵:۶). انبیاء، اغلب این دعوت به سوی محبت الهی را، به مانند کاملترین بیان فرمان، تکرار می کنند و به اسرائیل، بی وفایی هایش را به عهد به عنوان بی وفایی نسبت به محبت انتقاد می کنند.

۲- عیسا شریعت را به کمالش می رساند.

در مورد شریعت، عیسا یک نوگراست: «گفته شده است [...]، لیکن من به شما می گویم ... (متی ۵: ۳۳-۳۴). و رؤسای مذهبی برداشت غلط نمی کنند: او را به دست مرگ می سپارند.

* لیکن، عیسا فرمان خدا را حذف نمی کند، آن را به کمالش می رساند: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات و صحف انبیاء را باطل سازم، نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا به اتمام برسانم» (متی ۵: ۱۷). او تحریفات شریعت را اصلاح می کند، واجبات را مطلق می کند، مثلاً درباره ی بخشایش یا درباره ی زنا. عیسا دعوت می کند، فرمان را در عمقش زندگی کنیم: فقیر، فروتن، تشنه ی عدالت، در همه چیز بخشنده، با قلب پاک و مصلح باشید (متی ۵: ۳-۱۰). نه تنها پذیرش به نوع جدید شریعت، بلکه یک شریعت جدید می باشد.

و این شریعت جدید، در نهایت، در یک فرمان خلاصه می شود: **محبت کردن خدا و همنوعان**. این شریعت محبت فرزندی نسبت به خدا و برادری نسبت به انسان ها، الگویی دارد: خود عیسی، یکتا پسر کامل. او به شاگردانش می گوید: «به شما فرمانی تازه می دهم که یک دیگر را محبت نمایید، هم چنان که من شما را محبت نمودم (یوحنا ۱۳: ۳۴).

و با این کار، عیسا شریعت خدا را به اوجش می رساند. شریعت راه به سوی کمال می شود: «پس شما کامل باشید، همچنان که پدر شما که در آسمان است، کامل است.» (متی ۵: ۴۷)

۳- يك شريعت درونی: روح القدس

توسط عیسا، ارتباط انسان و شریعت تغییر شکل داده است. دیگر شریعتی خارج از خود انسان که توسط جامعه حکم شده باشد، یا در کتاب نوشته شده باشد، مطرح نیست. بلکه فرمانی مطرح است درونی، که در عمق قلب نوشته شده است که روح القدس استاد و الهام بخش آن است.

بدین دلیل، فرمان خدا، یک فرمان آزادی است. ایمان دار، هدایت شده توسط روح و پراز محبت، نسبت به الزامات شریعتی آزاد است. نه بدین دلیل که خود را بالاتر از آن ها می داند و حقیرشان می شمارد، بلکه بدین دلیل که آن ها را، بدون این که احتیاج به رجوع مادی به آن ها داشته باشد، رعایت می کند و مافوق محدودیت آن کشیده می شود.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

* آن ها، اول باید فرمانی که توسط خدا در قلب و وجدان هر انسانی نوشته شده است را رعایت کنند و به عنوان شهروند، از قوانین عدالت اجتماعی که در آن زندگی می کنند، اطاعت کنند.

با وجود این، ممکن است که فرمان انسان ها، با فرمان خدا، مستقیماً مغایرت داشته باشد. برای اولین مسیحیان، در مورد الزام به عطای قربانی برای امپراتور روم، که موجودی الهی فرض می شد، چنین بود. در آن وقت، بعضی ها گفتند: «ما نمی توانیم» و مرگ را به خیانت ترجیح دادند. امروز نیز برای وفادار ماندن به خدا، مسیحیان ممکن است مجبور باشند با یک فرمان انسانی مخالفت کنند. حتی اگر از دست دادن موقعیت و مقام اجتماعی، نتیجه ی مستقیم آن باشد.

* بیشتر اوقات، راهی که باید دنبال کرد، به خوبی روشن نیست. در آن صورت، باید تشخیص داد که اراده ی خدا کدام است و با رعایت آن، تصمیم گرفت. «در این جا، خدا به چه تصمیمی مرا دعوت می کند؟» مسیحیان، برای این که راه های خوب تشخیص دادن و نیروی تصمیم گرفتن بیابند، مرتباً در گروه های کوچک جمع می شوند به هر صورت، وجدان شخصی برای آن ها آخرین مرجع تصمیم گیری است. «وجدان، پیام آور خداست» (تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک شماره ی ۱۷۷۸). آن ها، به مانند هر انسانی، باید از آن اطاعت کنند.

هم چنین برای تسهیل این تشخیص است که اسقفان و دیگر مسئولان کلیسا، بعضی اوقات درباره ی بعضی موضوع های مهم جهت می دهند یا خط مشی هایی پیشنهاد می کنند: مثلاً در حیطه ی اقتصاد اجتماعی یا درباره ی ژنتیک.

* بالاخره، مسیحیان معتقدند که «شریعت برای انسان است نه انسان برای شریعت» (مرقس ۲: ۲۷). مسیحیان باید خادم روح باشند نه خادم نوشته ای، همان گونه که پولس رسول می نویسد: «... خدمتگزاران عهد جدید باشیم، خادم روح، نه خادم آن چه نوشته ای بیش نیست. زیرا نوشته می کشد لیکن روح حیات می بخشد» (دوم قرنتیان ۳: ۶) و هم چنین «چون که زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیض» (رومیان ۶: ۱۵).

تعلیم رسمی کلیسا

در عمق وجدانش، انسان حضور شریعت را می یابد که خودش به خود نداده است، ولی باید از آن اطاعت کند. این صدا که دائماً وادارش می کند تا محبت و نیکی کند و از شر بپرهیزد، در زمان مناسب، در خلوت قلبش طنین می اندازد: «این کار را بکن، از آن یکی بپرهیز کن». چون این شریعتی است که توسط خدا در قلب انسان نوشته شده، حرمش در این است که از آن اطاعت کند و همین شریعت است که او را داوری خواهد کرد.»

(واتیکان دوم، کلیسادر دنیای امروز، شماره ی ۱۶)

کلام کتاب مقدس

اما می گویم به روح رفتار کنید [...] اما ثمره ی روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشتن داری است. هیچ شریعتی مخالف این ها نیست [...] اگر به روح زیست می کنیم، به روح نیز رفتار کنیم» (غلاطیان ۵: ۱۶-۲۲-۲۵).

«هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز این که یک دیگر را پیوسته محبت کنید. زیرا هر که به دیگری محبت کند، در واقع شریعت را به جا می آورد. زیرا فرامین «زنا مکن»، «قتل مکن»، «دزدی مکن»، «طمع مورز»، و هر فرمان دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می شود که «همسایه ات را هم چون خویشتن محبت نما». محبت، به همسایه ی خود بدی نمی کند؛ پس محبت تحقق شریعت است» (رومیان ۱۳: ۸-۱۰).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

* رجوع شود به برگه های سری دوم شماره های ۲/۸ «عمل کرد مسیحی»، ۱/۸ «روح القدس».
* چه کسی حکم می کند؟

مجمع واتیکان دو، درباره ی وجدان هر انسانی این گونه توضیح می دهد:

«بشر با تعمق بر وجدان خویش، شریعتی را می یابد که او بر خود نهاده است، اما باید تابع آن باشد. ندای شریعتی که همیشه او را به محبت کردن و انجام اعمال نیکو و اجتناب از شرارت دعوت می کند، در لحظه ی مناسب، باطنا" به او می گوید: «این کار را بکن و از آن کار اجتناب نما» زیرا بشر در قلب خود شریعتی دارد که خدا آن را نگاشته است. منزلت او به رعایت این شریعت بستگی دارد و به واسطه ی آن مورد داوری قرار خواهد گرفت. وجدان انسان اصلی ترین راز او و در واقع قدس اوست. او در آنجا با خدائی که صدایش در اعماق وی طنین انداز است، تنهاست. این شریعت، به طریقی استثنائی به وسیله ی وجدان شناخته می شود و در محبت به خدا و همسایه به انجام می رسد».

(شورای اسقفان واتیکان دو، کلیسا در دنیای امروز، شماره ی ۱۶).

خدمت



عیسا گفت: «هر که می خواهد مقدم باشد، مؤخر و خادم همه بود» (مرقس ۹:۳۵).

در بعضی زبان ها واژه ای که برای خادم استفاده می شود به معنای پرستنده نیز هست.
در زبان یونانی، واژه ی **diaconia** (خادم رسمی) به معنای عبد و عابد می باشد. در کلیسای اولیه، خدمت به کلام خدا و هم چنین خدمت به دیگران را در بر می گیرد.
امروز، کلیسا وظیفه شماس را باز می یابد. شماس، خصوصاً برای خدمت دستگذاری شده و به همه ی مسیحیان این بعد مهم زندگیشان یادآور می شود.

آن چه بعضی ها می گویند...

* مسیحیان مدارس و درمانگاه های رایگان دارند، تا مردم را به سوی خود جذب نمایند.
* راهب ها و راهبه ها، خود را در دیرها حبس می کنند تا نیایش کنند؛ بهتر بود در دنیا متعهد باشند و به برادرانشان خدمت کنند.
* اغلب کشیش ها راهب شده اند و ازدواج نمی کنند و این اشتباه و گناه است زیرا فرزندان برکت خدا می باشند.
* خوبی کردن بدون خودنمایی، بدون استفاده جویی، در میان مسیحیان همان قدر کمیاب است که در مردمان دیگر.
* اغلب مسیحیان به دنیای غرب، دنیای پولدارها تعلق دارند.

* تنها مسیحیان قادرند اعمال پراز محبت واقعی انجام دهند.

* به واسطه ی مدارس، بیمارستان ها و خدمات متعدد، کلیسا به زندگی خیلی ها کمک کرده است.

آن چه مسیحیان می گویند...

خدمت در قلب زندگی مسیحی است و شورای اسقفان و اتیکان دوم، با گفتن این که کلیسا باید خود را خادم و فقیر کند، همین موضوع را یادآوری کرده است.

۱- عیسا: در عین حال خادم خدا و خادم انسان ها است

* در کنار خیلی از نبوت های پیامبران که آمدن مسیح، پادشاه پر جلال را اعلام می کنند چندین متن کتاب مقدس مانند اشعیا باب های ۴۲-۵۳ کسی که باید بیاید را، به صورت خادم خدا معرفی می کنند. او هم چنین، خادم انسان ها خواهد بود.

* بدین گونه است که عیسی مسیح به روی زمین آمد. او فقیرانه در آخوری در بیت لحم به دنیا آمد و وقتی زندگی اجتماعیش را شروع کرد هر وسوسه قدرت طلبی بر روی زمین را کنار زد.

* تا به آخر، مأموریتش را به عنوان خادم انجام داد. چون ناعدلانه محکوم شد، از تحقیر و تمسخر رنج برد مثل برده های شکنجه شده زمانش و بر روی صلیب جان سپرد.

* بدین ترتیب، آن چه را که در مورد او نوشته شده بود و خود او گفته بود را به انجام رساند: «پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند» (مرقس ۱۰: ۴۵). برخاسته از مرگ و بالا برده شده نزد خدا، پدرش، او برای هر مسیحی، الگوی خادم است.

* بدین صورت است که او خادم کامل، یک مأموریت یگانه را به انجام رساند: مکشوف کردن خدای پدر. با خادم نمودن خود، او محبتی عظیم، بی نهایت رایگان، کاملاً بی توقع را متجلی کرد و در عین حال به عنوان یکتا پسر، محبت شگفت انگیز پدرش را نسبت به همه ی انسان ها مکشوف ساخت.

۲- مسیحیان، هم چون عیسا خادم هستند

* آن هایی که می خواهند از عیسا پیروی کنند، شاگرد واقعی نیستند مگر، به مانند او خادم شوند، «هر که می خواهد مقدم باشد، مؤخر و خادم همه بود» (مرقس ۹: ۳۵).

* با این رفتار، این خود عیسا است که آن ها خدمت می کنند. خود اوست که آن ها در فقیرترین و بیچاره ترین ها، باز می شناسند: «آنچه به این برادران کوچکترین من کردید، به من کرده اید» (متی ۲۵: ۴۰). تمام عظمت خدمت در این جا نهفته است.

* خدمت کردن، یعنی وظیفه ای را انجام دادن، از خود مایه گذاشتن، با سخاوت آماده ی خدمت بودن، همان طور که خود عیسا بود. هم چنین گاهی اوقات رنج کشیدن برای دیگران. خصوصاً مشارکت با عیسا در راز رنج و مرگش، قبل از این که در رستخیز به او ببیوندند.

* این جاست که یک راه جدید نجات، به تمام مردان و زنان زمین عرضه می شود: با خدمت کردن به یک دیگر وارد مشارکت با کسی می شوند که خود را خادم کرد. و او آن ها را در جلالش خواهد پذیرفت. این مشارکت با عیسا در خدمت، سهم شدن در دوستی الهی را از همین حالا ممکن می سازد.

* این خدمت، وظیفه ی تمام کلیساست. عیسا خود، بعد از رستخیزش آن را به شاگردانش می سپارد و هم چنین توصیفش می کند: «پس رفته، همه ی امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه ی اموری را که به شما حکم کرده ام، حفظ کنند» (متی ۲۸: ۱۹-۲۰).

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

* کلیسا خادم و فقیر همان طور که می خواهد نبوده و نیست. اغلب به خاطر تکبر در این وسوسه می افتیم که بیشتر خدا را در عظمت خود تقلید کنیم و نه خدمت به خدا و فقرا. لیکن خدمت خدا و انسان ها، مغایر با سلطه طلبی و افتخار طلبی است. البته چندین طریق برای پیروی از عیسی در راه خدمت وجود دارد. هر مسیحی باید به مأموریت شخصیتش و هم چنین به احتیاجات شناخته شده در اطرافش، وفادار باشد.

* بیشتر مسیحیان، این خدمت را در زندگی روزمره شان از ورای فعالیت های شغلی، خانوادگی و اجتماعی شان انجام می دهند. آن ها به سادگی در کنار برادران و خواهران خود، بدون چشم داشت به تبلیغ، در انسانیت متعهد می شوند و شهادت می دهند.

* بعضی به گونه ای خاص تر، از ورای موسسه ها و اجتماعات بدر خدمت فقیران، بیماران، مظلومان و درماندگان جامعه، متعهد می شوند. بعضی، حتی در زندگی فقرا سهم می شوند و در حلی آبادهای شهرهای بزرگ و مدرن یا در روستاهای فراموش شده و دور افتاده، با فقر از زندگی می کنند. بدین ترتیب، آن ها از محبت و عنایت خدا

برای بی بضاعت ترین های بشریت، شهادت می دهند.

* آموزگاران و همه ی کسانی که کلیسا، مأموریت تعلیم دیگران را به آن ها می دهد، بیشتر در خدمت کلام خدا هستند.

* اسقفان و کشیشان خصوصاً - به واسطه ی راز مقدس دست گذاری - به این خدمت کلام دعوت شده اند و هم چنین برای تحرک بخشیدن به اجتماعات مسیحی و مدیریت آیین مذهبی و در درجه ی اول آیین عشای ربانی دعوت شده اند.

* بالأخره، مردان و زنانی در دیرها عزلت می گیرند تا به خدمت نیایش در آیند. تمام هستی آن ها وقف خدا می شود. آن ها از خدا برای همه جهان سپاسگزاری کرده و دعا می کنند.

* مسیحیان، اگر بخواهند به طریق عیسا خدمت کنند، باید زندگی شان را دگرگون ساخته و وقف خدا کنند.

کلام کتاب مقدس

«شبی عیسا از شام برخاست، دستمالی گرفت و آب در لگن ریخت و شروع به شستن پاهای شاگردان کرد ... و چون پاهای ایشان را شست ... به ایشان گفت: «آیا فهمیدید آنچه به شما کردم؟ شما مرا استاد و آقا می خوانید و خوب می گوید، زیرا که چنین هستم. پس اگر من که آقا و معلم هستم، پاهای شما را شستم، بر شما واجب است که پاهای یک دیگر را بشوید. زیرا نمونه ای دادم تا چنان که من با شما کردم، شما نیز بکنید. آمین، آمین، به شما می گویم، غلام بزرگتر از آقای خود نیست و نه رسول از فرستاده ی خود. هر گاه این ها را دانستید، خوشا به حال شما، اگر آن را به عمل آرید» (یوحنا ۱۳: ۴-۵، ۱۲-۱۷).

مریم به فرشته می گوید: «اینک کنیز خدا و ندم، مرا بر حسب سخن تو واقع شود» (لوقا ۱: ۳۸).

«پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش، او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید، او را در حین کار، مشغول یابد. هر آینه به شما می گویم که او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت. لیکن، هر گاه آن غلام شریر، با خود بگوید که آقای من در آمدن تأخیر می نماید، و شروع کند به زدن همقطاران خود و خوردن و نوشیدن با میگساران، هر آینه، آقای آن غلام آید، در روزی که منتظر نباشد و در ساعتی که نداند و او را پاره کرده، نصیبش را با ریاکاران قرار دهد، در مکانی که گریه و فشار دندان خواهد بود» (متی ۲۴: ۴۵-۵۱).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

* رجوع شود به برگه های سری اول شماره ی ۱/۱۰ «مأموریت» و سری دوم شماره ی ۲/۸ «عمل کرد

مسیحی».

* نامه های حضرت ایگناسیوس.

* داستان یک زندگی ترز مارتین.

در میان اسقفان، کشیشان و شماسان، اغلب با یک خادم (یعنی کشیش) ارتباط داریم که با تعمق بر دعای اسقف، و زمان دستگذاری او می توان بهتر مأموریتش را درک کنیم:

«ای خداوند، خدای قادر مطلق، آفریننده ی آسمان و زمین و هر آن چه که وجود دارد، ای که کلیسای مقدست را برگزیدی و در آن پیامبران، رسولان، روحانیون مقدس و کاهنان را برای کامل کردن مقدسینت، خدمت به تو و احیای بدن کلیسایت، جا دادی. ای خدای بزرگ لشگرها، پادشاه همه ی اعصار به این خدمت نیز لطف بیفکن و توسط نزول روح القدس با دعوتی مقدس او را برگزین و با کلام حقیقت، دهانش را بگشا.

آری ای قادر مطلق او را در راه کهنانت انتخاب کن (در این جا اسقف دست راست او را می گیرد) خداوندا بگذار که دست هایش را بر روی مریضان دراز کند و شفا یابد و در خدمت قربانگاه مقدس تو با قلبی پاک و وجدانی صاف باشد و به تو نیایش ها و قربانی های توبه در کلیسای مقدست تقدیم دارد.

بگذار که با قدرت عطیه ی تو، روح گناهکاران را تقدیس و تطهیر کند تا آنان برای اتحاد دوباره و فرزند خواندگی احیاء شوند. بگذار که با اعمال عدالت فرزندان کلیسای مقدس و کاتولیک را برای جلال اسم تو بیاراید. باشد که این خدمت پاک را که به تو تقدیم می دارد، برای او ضامن دیدار رو در روی تو در حیات آینده باشد. عطاکن تا بتواند توسط فیض و رحمت پسر یگانه ات، با اعتماد کامل و با ترس آمیخته به احترام در مقابل عظمت حضورت بایستد تا به تو ای پدر و به مسیح و به روح القدس فر و شکوه بخشیده، حق شناسی و به عبادت بجا آورد. امروز و در هر زمان تا ابدالابد.

(و سپس بر سر دریافت کننده رتبه ی کهنانت صلیب می کشد و او جواب می دهد: آمین و اسقف به او می فرماید که سجده نماید سپس از زمین بر می خیزد).

«او را» (همان نوار بلندی که کشیش به گردش می اندازد) را از دوش دریافت کننده رتبه ی کهنانت برداشته، بر روی سینه اش می گذارد. و در حالی که اسقف با ردائی که بر دوش شخص مذکور می باشد، او را می پوشاند، چنین دعا می کند:)

خداوند، خدای ما ترا با ردای عدالت بپوشاند تا در حضورش با پاکی و قدوسیت در تمام روزهای زندگیت بر زمین، مقبول باشی تا ابدالابد.

(و اسقف انجیل را برداشته، در دست او می گذارد و در حالی که با شست دست راستش بر پیشانی شخص دریافت کننده رتبه ی کهنانت علامت صلیب را رسم می کند، چنین می گوید:)

برگزیده شده و از دیگران جدا شده، تقدیس شده و کامل گردیده به جهت کهنانت کلیسا و خدمت کهنانت هارون، به اسم پدر و پسر و روح القدس تا ابدالابد.

سپس اسقف سرشخص مذکور را می بوسد و انجیل را برداشته به سرشماس می دهد تا بر روی قربانگاه بگذارد. شخص دستگذاری شده زانو می زند و بر می خیزد.

اسقف عصای شبانیش را بر می دارد و به سوی پله های قربانگاه بر می گردد، خم شده و عبادت می کند و چهره اش را به سوی مغرب بر می گرداند.»